

سرمقاله

مُرده گردانی؛

تابوت بی پیام، تاج بی سر

منصور امان

تشییع جنازه علی خامنه ای که دستگاه حاکم آن را برای تبدیل به نمایش قُدَرَت صحنه آرای کرده بود، به تریبونی برای نمایش درماندگی سیاسی و شکاف درونی آن تغییر کارکرد داد. شاید هیچگاه تضاد بین واقعیت و هدفهایی که حاکمیت برای این دست معرکه ها تعیین می کند، این چنین نمایان نشده بود.

پیامی که هرگز نرسید

مراسم مُرده گردانی همچون سایر نمایشات خیابانی حاکمیت، در مرتبه نخست قصد ارسال پیام برخورداری از قُدَرَت و مشروعیت به طرفهای خارجی را داشت. حاکمان ج.ا. همواره در این توهم بسر برده اند که به این وسیله می توانند بر سیاست آنها در قبال خود تاثیر بگذارند و راهکارهای شان را به سود خود تنظیم کرده یا تغییر دهند.

انتقال این پیام به ویژه در شرایطی که رژیم ج.ا. در حالت جنگی با دو کشور آمریکا و اسرائیل بسر می برد و رهبر و شمار توجّه پذیری از کادرهای ارشد سیاسی و نظامی خود را از دست داده، دارای اهمیت ویژه ای است. بازماندگان خامنه ای تلاش می کنند نشان دهند رژیم آنها در نتیجه این ضربات دُچار گسیختگی درونی نشده و می تواند روند انتقال قُدَرَت از رهبر هلاک شده به جانشین او را مدیریت کند. مراسم مُرده گردانی همان تریبون عمومی بود که برای بیان این روایت لازم داشت. سازمان دادن مراسم تشییع در حالیکه رده های نخست دستگاه قُدَرَت و نیز زیرمجموعه های آن در یک صف در برابر تابوت دوره پیشین حاضر شده بودند، می بایست در چشم مخاطبان نشانه ای از ثبات و تداوم سُلطه نظم ولایت فقیه به حساب آید. این محاسبه در هیچ دوره ای داده واقعی نداشته است. مهم نیست حاکمیت توانسته باشد یا چه هزینه ای چه تعداد را به خیابان آورده و چند پرس شام و نهار مجانی تقسیم کرده باشد، در انتها این ترفندها برای آن دستاوردی به بار نیاورده است. شاید اگر در گذشته برای توجّه دادن به این واقعیت اندکی توضیح لازم می بود، این بار اما سیرک دوره گردی که تابوت در خیابانها می گرداند، آثار بیهودگی نمایش را نیز عرضه می کرد. مراکز نظامی و انتظامی تخریب شده، ساختمانهای مسکونی ویران و نیمه ویران و نماهای آسیب دیده و نه سراخر، نقش اول نمایش یعنی جنازه خامنه ای نه فقط نمادهایی از شکست یک سیاست پُر هزینه و بی فایده هستند، بلکه همچنین ناتوانی قُدَرَت حاکم را در ارائه سیاست جایگزین و گِیج سری آن در تکرار روش پیشین با همان شکل و همان ویژگیها به تماشا گذاشته اند.

بقیه در صفحه ۲

متن سخنان مهدی سامع در اجلاس شورای ملی مقاومت ایران

صفحه ۳



اجبار به «تاب آوری معیشتی» برای گرم نگاه داشتن آتش جنگ زینت میرهاشمی

صفحه ۳

در سوگ فقدان هنرمند برجسته،

رفیق رضا اولیا

صفحه ۸

متن سخنان زینت میرهاشمی

در اجلاس

شورای ملی مقاومت ایران

صفحه ۸

عاشورای اعتراضی؛

فُرصتها و چالشها

منصور امان

صفحه ۲۳

اعدام؛

راهکاری برای بقای امنیت نظام

اسامی ۵۳ تن از زندانیان اعدام شده

در تیر ۱۴۰۵

صفحه ۹

بحران جنگ و جانشینی

در آیین «تفاهم»

منصور امان

صفحه ۱۴

در این شماره می خوانید:

- صفحه ۴ چالشهای معلمان (تیر ۱۴۰۵) - فرنگیس بایقره
- صفحه ۶ رویدادهای هنری ماه (تیر ۴۰۵)
- صفحه ۸ لکه ننگ دیدار با قاتل پدر - زینت میرهاشمی
- صفحه ۱۱ دانشگاه در ماهی که گذشت (تیر ۱۴۰۵) - کامران عالمی نژاد
- صفحه ۱۶ جنبش رنگین کمان بیشماران (تیر ۱۴۰۵) - پویا رضوانی
- صفحه ۱۹ زنان در مسیر رهایی (تیر ۱۴۰۵) - اسد طاهری
- صفحه ۲۱ توطئه شیخ و شاه با فروش زنان و مردان آزادیخواه
- صفحه ۲۱ نقش برآب شد! - زینت میرهاشمی
- یادواره / فدایی شهید رفیق عباس جمشیدی رودباری - امیر ابراهیمی
- صفحه ۲۴ شهدای فدایی مرداد ماه

سرمقاله

مُرده گردانی؛

تابوت بی پیام، تاج بی سر

بقیه از صفحه ۱

غیبت ولیعهد در مراسم تاجگذاری

گذشته از این، نمایش انتقال پایش شده قدرت و تثبیت جانشین با یک نقص جدی دست به گریبان بود و آن غیبت «جانشین» و بازیگر اصلی روی صحنه بود. آقازاده مجتبی از اسفند ماه سال گذشته ناپدید شده است، زمانی که اسرائیل و آمریکا قلعه پدرش را درهم کوبیدند و او را به همراه شمار دیگری از پاپوران ارشد نظامی به هلاکت رساندند. تنها نشانه‌هایی که از آقازاده در دست است یا به وی اشاره می‌کند، نخست نشاندن شدن او بر جایگاه پدرش از سوی مجلس خبرگان در یک روند مشکوک و پُر ابهام و سپس چند اطلاعیه‌ای است که نام وی را بر خود دارد.

حتی در یک فضای کم‌تنش سیاسی و بدون تلاطم نیز چنین فرآیندی از دست‌به‌دست شدن قدرت پرسش‌برانگیز و غیرطبیعی می‌نمود. این در حالی است که رژیم ج.ا. با دو پا در گرداب بحران قیامهای توده‌ای از یکسو و از سوی دیگر بحران خارجی که به جنگ کشیده شده، فرو رفته است. این بدان معناست که رژیم مستقر بیش از هر زمان دیگر به نمایش انسجام در بالا و حفظ و تداوم ساختار قدرت نیاز دارد.

در نظامهایی که انتخاب رهبر از مجرای غیرانتخابی می‌گذرد، مراسم تشییع رهبر پیشین همواره صحنه‌ای برای معرفی فرد قدرتمند بعدی است. او با قرار گرفتن در پیشاپیش صف و نهادن خویش در مرکز تبلیغات مراسم، زیر جایگاهی که تصرف کرده خط تاکید می‌کشد و به خویشتن به مثابه سکندار آن رسمیت سیاسی می‌بخشد. ارزش نمادین مراسم تابوت‌کشی در چنین رژیمهایی را می‌توان برابر با مراسم تاجگذاری در نظامهای سلطنتی دانست. غیبت ولیعهد مجتبی در مراسم تاجگذاری خود، نه فقط ابهاماتی که در پروسه انتقال قدرت وجود دارد را قوی‌تر می‌کند، بلکه باورپذیر بودن پیام اصلی این مراسم مبنی بر استمرار نظم قبلی و انتقال بی‌چالش زمامداری از پدر به پسر را نیز بسیار دشوار می‌سازد.

برای پُر کردن خلاء نقش اصلی، همه بازیگرانی که براساس چینش ساختار قدرت در رژیم ولایت فقیه نقش درجه دوم را بازی می‌کنند، کنار تابوت خامنه‌ای - یا آنچه که از او باقی مانده - گرد آمده بودند. حضور سرکردگان نظامی، پاپوران ارشد سیاسی، راه‌اندازی یک کارزار تبلیغاتی گسترده، پول‌پاشی و صرف بودجه گزاف برای رنگ و لماب مراسم، همه و همه در خدمت القای این روایت بود که روند جابه‌جایی قدرت زیر پایش قرار دارد و نظام به گونه متحد بر آن مسلط است.

اما عمر و پایداری روایت جایگزین شده حتی کفاف روز تشییع را هم نداد. حمله مخالفان سازماندهی شده‌ی مذاکره به پزشک‌های و عراقچی در حالی که شعار «مرگ بر سازشکار» و «مرگ بر خائن وطن‌فروش» سر می‌دادند، افسانه کنترل اوضاع و یکپارچگی دستگاه حاکم را درهم پیچید. ناظران به‌جای استقرار ساختار، شاهد فرار رئیس جمهوری و وزیر خارجه آن از هجوم ابواب جمعی رُقا شدند.

خودسرها اربابانند

حمله به پزشک‌های و عراقچی عمق اختلافاتی که بر سر بحران جنگ در لایه‌های گوناگون قدرت درگرفته را آشکارتر کرد. تفاوت این اختلافها با نوع مشابه در دوران «برجام» در سطح به کلی متفاوتی است که جریان یافته است. در دوره صدارت آخوند

حسن روحانی، دو جناح حکومتی بر سر عقب‌نشینی و مذاکره با آمریکا به رویارویی با یکدیگر برخاسته بودند، در حالیکه هر دو زیر هژمونی کانون اصلی قدرت و در راس آن «رهبر»، قرار داشتند. هدف «أصول‌گرایان» از مخالفت با عقب‌نشینی و مذاکره، جلوگیری از دست‌بالا پیدا کردن باند رقیب آنها، «اعتدال‌گرایان» بود. آنها پیرامون تجدیدنظر در استراتژی تدوین شده از جانب «راس نظام» که بر تداوم بحران خارجی استوار شده بود، نگرانی زیادی نداشتند.

در دوره کنونی اگرچه مضمون اختلافها ثابت مانده و مساله قدرت و ثروت همچنان روی میز است، با این حال نزاع نه بین جناحهای سیاسی، بلکه در کانون قدرت جریان یافته است. در حالیکه پرونده جنگ و مذاکره را بالاترین نهاد امنیتی ج.ا. «شورای عالی امنیت ملی»، رئیس مجلس و یک سرکرده ارشد سپاه پاسداران و نیز رئیس‌جمهوری رژیم مَلاها پیش می‌برد، مخالفان از «کودتا» سخن می‌رانند، خواهان «انحلال شُعام» و بازگرداندن اختیارات رهبری» شده‌اند، شماری از نمایندگان مجلس تهدید به تحسُن خیابانی در اعتراض به تعطیلی این نهاد می‌کنند و سرآخر تجمعات حکومتی شبانه به مرکزی برای هدایت و سازماندهی مخالفتها علیه خط مذاکره تبدیل شده است.

از آنجا که نزاع درون سیستمی بین نهادهای اصلی قدرت درگرفته، بنابراین در سیاستهای جاری و حوزه‌های عمل هریک از آنها نیز بی‌واسطه بازتاب پیدا می‌کند. این واقعیت را تازه‌ترین درگیری نظامی رژیم ج.ا. و آمریکا یادآوری می‌کند. هنوز بیش از چند روز از «تفاهُمنامه» شصت روزه نگذشته بود که سپاه پاسداران حمله به کشتیهای تجاری را از سر گرفت. آخرین آن در میانه تیرماه با حمله به سه نفتکش و کشتی تجاری روی داد که موجب واکنش شدید ایالات متحده و حملات چند روزه آن علیه مواضع نظامی ج.ا. در طول نوار ساحلی خلیج فارس و دریای عمان گردید. دونالد ترامپ این حملات را با رگباری از ناسزا به رهبران ج.ا. همراهی کرد و آنها را «لواپاشی»، «بی‌شرافت» و «بیمار» خطاب کرد. او همچنین «تفاهُمنامه» پاکستان را پایان یافته تلقی کرده و فشار بیشتر نظامی و اقتصادی را نوید داد.

حمله آمریکا در حالی صورت می‌گرفت که تابوت علی خامنه‌ای در نقش تابلوی سیار کارزار تبلیغاتی قدرت و مشروعیت در گردش بود و جارچیان، بوق به‌دست «حضور میلیونی» را به رُخ می‌کشیدند و حمایت اجتماعی را هلهله می‌زدند. چنین می‌نمود که برخلاف گذشته که پیامهای ارسالی از طریق نمایشاتی مانند «۲۲ بهمن»، «روز قدس» یا «راهپیمایی اربعین» با فاصله برگشت می‌خورد، حاکمان امروز ج.ا. اما نباید زمان درازی منتظر می‌مانند تا رویدادهای نامنتظر به آنها اطلاع دهند که پیام‌شان گیرنده‌ای نداشته است.

جنگ غریبان

در بُعد داخلی درجه خیالبافی حاکمیت پیرامون میزان تاثیرگذاری نمایشات خیابانی‌اش به گونه توجه‌پذیری پایین‌تر



است. در این پهنه هدف اصلی جنگ روانی علیه جامعه مُعترض، به هراس افکندن و مُنفل کردن آن است. راه‌انداختن تجمعات سفارشی و سازمان داده شده بخشی از زورآزمایی «نظام» با جامعه است تا آن را از خیابان براند و بر مسیرش به سوی سرنگونی راهبند بگذارد. اما حاکمان ج.ا. در این نقطه نیز دُچار توهم هستند، اگرچه این بار در خواندن صورت‌مساله‌ای دیگر!

سلسله قیامهای توده‌ای گُواه آن است که اگر صحنه‌سازیهایی حکومتی نتوانسته کسی را در واشنگتن، تل‌آویو و بروکسل دوردست پیرامون پایگاه اجتماعی و ثبات سیاسی رژیم حاکم بر کشور بفریبد، به گونه دوچندان نمی‌توان اکثریت مردم مُعترض ایران را که با طرح سرنگونی چشم در چشم آن دوخته‌اند، تحت‌تاثیر قرار دهد.

حاکمیت در جنگ علنی با اکثریت مردم ایران بسر می‌برد و آن را پرده‌پوشی نمی‌کند. ده‌ها هزار جسد خونین دی‌ماه فقط شاهدان یکی از صحنه‌های این جنگ هستند. جامعه شاهد است که چگونه حاکمان ج.ا. از جنگ خارجی برای سرکوب اعتراضات و ایجاد خفقان استفاده می‌کنند. توسل آنها به فجع‌ترین و بی‌پرده‌ترین اشکال خُشونت، از یکسو ریشه در آگاهی از برخوردار نبودن از هیچیک از مولفه‌های مشروعیت‌ساز در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و امنیت دارد و از سوی دیگر، درک هراسناک آنان از خواست عمومی سرنگونی و جهتگیری مطالبات اجتماعی به این سمت را بازتاب می‌دهد.

هنگامی که با شروع دور دوم جنگ، حاکمیت تعدادی از مُردوران خود و شمار دیگری را با پرداخت پول به خیابان آورد، در حقیقت به گونه مُضحکی در پی پیشگیری از خروش اعتراضاتی برآمده بود که در دل جامعه می‌جوشید. هدف تجمعات شبانه ارسال هیچ پیام گمراه‌کننده‌ای نبود؛ هدف وحشت‌پراکنی غریبان و اشغال فضای عمومی با تجمع‌کنندگانی بود که در نقش نیروی نیابتی سرکوب عمل می‌کردند. پس از کُشتار دی، صف جامعه و حاکمیت چندان از یکدیگر متمایز و شکاف بین این دو آنچنان بزرگ شده است که «نظام» نه چشم‌اندازی برای فریبکاری و پایش افکار عمومی با ابزارها و ترفندهای سُستی می‌بیند و نه بیراهه‌های پیشنهادی‌اش به جامعه برای مُنحرف کردن توجه آن را دارای شانس ارزیابی می‌کند. از همین روست که برخلاف دوره جنگ دوازده روزه، اینک جست‌وخیز تبلیغاتی آن گرد ناسیونالیسم فروکش کرده و چاپلوسی از مفهوم «ملت» را فروخورده است.

برآمد

رژیم ج.ا. به گرد خویش می‌چرخد و با خود مُکالمه می‌کند. در فقدان سیاست و راه چاره، نقش می‌کشد، تابوت می‌گرداند و در قعر چاه بی‌مشروعیتی، ریسمان نجاش را در تبلیغاتی تکراری و خسته‌کننده می‌جوید که حتی برای کشاندن حامیانش به نمایش هم کارایی ندارد.

متن سخنان مهدی سامع در اجلاس شورای ملی مقاومت ایران

پاریس، جمعه ۵ تیر ۱۴۰۵ - ۲۶ ژوئن ۲۰۲۶

اعضای محترم شورای ملی مقاومت ایران
خانم مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده شورا
ناظران گرامی

در آغاز خشتی شدن توطئه استعماری ارتجاعی برای خفه کردن صدای حق طلبی مقاومت ایران را از جانب خودم و رفقایم در سازمان چریک های فدایی خلق ایران به شما، به کانونهای شورش و به نیروهای انقلاب دمکراتیک مردم ایران شادباش می‌گویم.

گرامی می‌دارم یاد و نام شهیدان جنبشها و قیامهای انقلابی به ویژه شهیدان سرفراز و سر به دار مجاهد خلق را و همدردی می‌کنم با خانواده شهیدان جنبش و ستایش می‌کنم از مقاومت زندانیان سیاسی از جمله اعضای «کارزار سه شنبه های نه به اعدام» که زیر شدیدترین شکنجه ها قرار دارند.

دوستان عزیز، خواهران، برادران و رفقای گرامی چون صف داوطلبان صحبت در این اجلاس طولانی است، تنها به یک مورد پیرامون تحولات سیاسی ماههای گذشته اشاره می‌کنم. چندین ماه پر تلاطم و سرشار از شگفتیها در سپهر سیاسی ایران را پشت سر گذاشتیم و آینده نیز با پیکار پر شکوه زنان و مردان آزادخواه به سود رهایی ساخته خواهد شد. این را نسل شورش و انقلاب در روز جمعه ۳۰ خرداد امسال نوید داد.

شورای ملی مقاومت ایران و سازمان ما به عنوان یک عضو این شورا بارها تاکید کرده که جنگ و مماشات قادر به مهار سیاست بنیادگرایانه رژیم ایران نیست. ما می‌گفتیم و تجربه نشان داد که سیاسب مماشات سرانجام منجر به جنگی ویرانگر و ارتجاعی خواهد شد. تجربه نشان داده که خروجی جنگ، به هر شکل و با هر میزان از تهاجم، راه مماشات را می‌گشاید.

در یکی از اجلاسهای پیشین شورا، این شرایط را «تعادل در چالش و یا چالش در تعادل» تعریف کردم. خروجی جنگهای دوازده و چهل روزه این واقعیت را به خوبی نشان داد.

در مقابل جنبش انقلابی و قیامهای دی ماه سال پیش واقعیت دیگری را که طرفداران رضا پهلوی در حرف و عمل منکر آن هستند را هم نشان داد.

ما در شهریور سال ۱۳۸۲ خورشیدی تاکید کردیم: «با هرگونه دخالت نظامی خارجی و هرگونه جانشین سازی که اراده آزاد مردم ایران برای تحقق حاکمیت ملی را نفی کند، مخالفتیم.» (گزارش سیاسی، مصوب شورای عالی سازمان، ۲۸ شهریور ۱۳۸۲) و تاکید کردیم که: مساله کسب آزادی و مبارزه برای رهایی از استبداد دینی حق و وظیفه مردم ایران و زنان و مردان آزادخواه ایرانی است. این وظیفه تنها و تنها در انحصار مردم ایران و نیروهای پیشتاز و شورشی است.

پیرامون سند «تفاهمنامه» نیز اعلام کردیم:

«مردم ایران که در تمامی آتش افروزیهای گذشته و حال رژیم به طور مستقیم و غیرمستقیم آماج خسارتهای انسانی، مالی، روانی آن بوده‌اند، فرجه‌ای برای تنفس، حداقل از جانب مَب و موشک، پیدا خواهند کرد. از این زاویه و در نظر به منافع آنی مردم ایران، "تفاهمنامه" اقدامی مثبت است و اجازه می‌دهد جامعه بر بخشی از زخمهایش مَرهم بگذارد.»

(بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، پنجشنبه ۲۸ خرداد ۱۴۰۵ - ۱۸ ژوئن ۲۰۲۶)

سپاسگزارم که به من گوش کردید.

اجبار به «تاب آوری معیشتی» برای گرم نگاه داشتن آتش جنگ زینت میرهاشمی



قیمت نان لواش به ۲ هزار و ۷۰۰ تومان، بربری به ۱۰ هزار تومان و سنگک به ۱۵ هزار و ۵۰۰ تومان رسیده است.

رسانه حکومتی هفت صبح در شماره روز شنبه ۲۰ تیر به پدیده تاسف آوری می‌پردازد و می‌نویسد: «نان درجهان ارزان شد؛ در ایران گران».

در گزارشی از نسرين هزاره مقدم از مناطق کارگرنشین فلکه پنجم فردیس کرج به سفره های خالی و ضرورت فروش یخچالهای خالی آمده است: «در مناطق کارگرنشین، وضعیت واقعاً اسفبار است؛ شما هرگز یک جایی مثل آق تپه مهرشهر را دیده‌اید؟ همه فقیرند؛ برای نمونه می‌گویم، این روزها فروش یخچال تو این مناطق زیاد شده؛ با طرف صحبت می‌کنی، می‌گوید الان دیگر نیازی به یخچال نداریم، گوشت و مرغ که نمی‌توانیم بخریم؛ نهایت ۱۰ تا تخم مرغ می‌خریم، ۵ تا را امروز می‌خوریم ۵ تا را فردا؛ یخچال‌مان را بفروشیم و پولش را به یک دردی بزنیم... الان اگر یک خانواده‌ای، حتی یک خانواده متوسط رو به پایین، یک وسیله خانه‌اش بسوزد، نمی‌تواند جایگزین کند؛ ماشین لباسشویی ۲۰۰ میلیون تومان است. کارگری که پول ندارد، کارگری که نزدیک ۲ ماه است بیکار شده، حتی پول خرید یک موتور کولر هم ندارد. در همین شرایط، دولت برای گرانی بیشتر مجوز صادر می‌کند؛ حتی قیمت نان در محلات کارگرنشین ۲ برابر شده؛ قبلاً کرج نان سنگک ۵۶۰۰ تومان بوده، حالا شده حدود ۱۲ هزار تومان. یعنی باید ۶۰ هزار تومان بدهی فقط ۵ تا نان سنگک بخری. وقتی طرف نان خالی نداشته باشد، باید چه کند؟ اصلاً یک خانواده ۷.۸ نفره که پول ندارد روزی چند نان سنگک بخرد، چطور تاب آوری داشته باشد؟» (خبرگزاری ایلنا ۳۰ تیر)

خشم شهروندان، ترس پزشکيان

نگرانی پایوران رژیم از اینکه «تاب آوری» مردم در برابر تحمیل فقر تا چه اندازه می‌تواند ادامه یابد — به بیان دیگر، سنجش زمان فوران اعتراض تهیدستان — امری واقعی و برخاسته از هراس حاکمیت از خشم اجتماعی است. رسانه حکومتی راه آینده در شماره روز دوشنبه اول تیر، حرفهای پزشکيان که ترس از فروش شهروندان را نشان می‌دهد، پوشش داده است. او می‌گوید: «از این می‌ترسم که نتوانیم مردم را راضی کنیم و به خیابان بیايند و اعتراض کنند.» نگاه‌داشتن سایه جنگ و ناامنی بر سر جامعه، سیاستی برای مهار این خشم است؛ اما هیچ سایه‌ای ابدی نیست و این خشم فوران خواهد کرد.

جهنمی که امروز مردم ایران، به‌ویژه مزدبگیران و تهیدستان، به‌خصوص در مناطق جنوبی کشور، در آن زندگی می‌کنند، دستاورد نکبتار همان سیاست موسوم به «اقتصاد مقاومتی» علی‌خامنه‌ای است. سیاستی که نتیجه آن سرکوب حق خواهی شهروندان، تحمیل فقر، رنج و محرومیت بر میلیونها انسان و سوق دادن منابع کشور به سوی راهبرد بازدارندگی، از جمله جنگ افروزی، تنش در منطقه با اتکا به شبکه مزدوران نیابتی، تروریسم و... است. این راهبرد سرانجامی جز فلاکت اقتصادی، شمله ور شدن جنگ و ناامنی برای مردم ایران به بار نیاورده است. در سایه سرکوب و خشونت دولتی، و با بهره‌گیری از فضای جنگی، بهای کالاهای اساسی پیوسته رو به افزایش است؛ دلار به آستانه ۲۰۰ هزار تومان رسیده، تورم برخی کالاها از ۱۵۰ درصد فراتر رفته و در همان حال، ارزش نیروی کار و دستمزدها چنان سقوط کرده که حتی شکم‌سیران از هراس خیزش گرسنگان، پیوسته زنگ خطر را به صدا درمی‌آورند. رسانه حکومتی جمهوری اسلامی در شماره روز دوشنبه اول تیر می‌نویسد: «داره یک کشور ۹۰ میلیونی با شیوه حسینیقلی خانی امکان پذیر نیست.»

خط فقر به حدود ۷۰ میلیون تومان رسیده، در حالی که حداقل دستمزد تنها ۱۶ میلیون و ۶۲۵ هزار تومان است. افزایش ۶۰ درصدی حقوق نیز تنها در ۴۵ روز نخست سال، زیر فشار تورم، عملاً دود شد و به هوا رفت. این شکاف عمیق میان هزینه‌های زندگی و دستمزدها، همراه با این پرسش که مردم تا کجا توان تحمل این وضعیت را دارند، به یکی از محورهای اصلی در برخی رسانه های حکومتی تبدیل شده است. رسانه حکومتی جهان اقتصاد در شماره روز یکشنبه ۷ تیر گزارش می‌دهد که «تورم سالانه ۶۶ درصد و نقطه به نقطه ۸۸.۶ درصد فشار فراگیر بر معیشت مردم» است. حمید پورمحمد گل سفیدی، رئیس سازمان بودجه و برنامه روز شنبه ۲۰ تیر ۱۴۰۵، در شبکه یک سیمای حکومتی اعلام کرد: «بر اساس محاسبات انجام شده، حداقل هزینه زندگی یک خانوار ۴ نفره در اردیبهشت ۱۴۰۵ ماهانه حدود ۱۶۳ میلیون تومان است؛ این رقم برای هر نفر حدود ۴۱ میلیون تومان برآورد می‌شود.»

افزایش قیمت نان



از روز شنبه ۶ تیر نیز افزایش قیمت نان به اجرا درآمد؛ نانی که آخرین پناه سفره‌های خالی تهیدستان است. در یک سال گذشته، بهای این کالای اساسی با تورمی میان ۱۰۰ تا ۱۴۰ درصد، بیشترین رشد قیمت را در میان کالاهای پرمصرف خانوار داشته است. (ایلنا، ۸ تیر ۱۴۰۵) محمدجواد کرمی، رئیس کارگروه آرد و نان اتاق اصناف ایران، افزایش قیمت نان را تأیید کرده است. بر اساس نرخ‌های جدید،

چالشهای معلمان (تیر ۱۴۰۵)

فرنگیس باقره

بر اساس حکمی که توسط شعبه دوم بیدادگاه انقلاب همدان به ریاست قاضی ترابپور صادر شده، آقای مسلمی از بابت اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» به سه سال و شش ماه و یک روز حبس و از بابت اتهام «تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی» به هفت ماه و شانزده روز حبس محکوم شده است. وی همچنین در این شعبه از اتهام «تشکیل گروه غیرقانونی» تبرئه شده است.

این فعال صنفی معلمان همدان در تاریخ ۱۹ دی ۱۴۰۴، در منزل خود توسط ماموران امنیتی بازداشت شد. ماموران تلفنهای همراه تمام اعضای خانواده وی را ضبط کردند. رضا مسلمی، فعال صنفی معلمان همدان پیش از این نیز به دلیل فعالیت های خود سابقه بازداشت و برخوردهای قضایی را داشته است.

آزاده سالکی، معلم به ۵ سال حبس محکوم شد



بر اساس گزارشهای منتشر شده در روز سه شنبه ۹ تیر ۱۴۰۵، آزاده سالکی، معلم شاغل در خواف و از بازداشتشدگان اعتراضات دیماه ۱۴۰۴ توسط بیدادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی به پنج سال حبس محکوم شد. وی در مرحله بدوی به ۱۰ سال حبس محکوم شده بود. این معلم توسط بیدادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی به پنج سال حبس محکوم شده است.

انتقال مسعود فرهیخته به سلول انفرادی و قطع تماس و ملاقات



مسعود فرهیخته، فعال صنفی معلمان و عضو زندانی، صبح روز سه شنبه ۹ تیر ۱۴۰۵ به سلول انفرادی منتقل شده است. از زمان انتقال به انفرادی، تماس تلفنی آقای فرهیخته نیز قطع شده و ملاقات حضوری امروز خانواده با ایشان نیز لغو شده است.

بقیه در صفحه ۵

کوکب بداعی پگاه، فعال صنفی فرهنگیان خوزستان پیشتر نیز به واسطه فعالیتهای خود سابقه برخوردهای قضایی را داشته است.

جان محمد احمدی، فعال صنفی معلمان بازداشت شد

روز سه شنبه ۹ تیرماه، جان محمد احمدی، معلم بازنشسته و رئیس انجمن صنفی معلمان نورآباد ممسنی، توسط نیروهای امنیتی در ورودی شهر نورآباد ممسنی بازداشت شد. تا لحظه تنظیم این گزارش، از نهاد بازداشت کننده، محل نگهداری، دلایل بازداشت و اتهامات مطروحه علیه این فعال صنفی فرهنگیان اطلاعی حاصل نشده است.

جان محمد احمدی پیش تر نیز در پروندهای مرتبط با فعالیتهای صنفی معلمان، از بابت اتهام «تبلیغ علیه نظام» به پرداخت جزای نقدی بدل از حبس محکوم شده بود که اجرای این حکم به مدت سه سال به حالت تعلیق درآمده بود.

احمد علی زاده به حبس و مجازاتهای تکمیلی محکوم شد



احمد علی زاده، معلم بازنشسته توسط بیدادگاه انقلاب ایلام به دو سال حبس تعزیری، یک سال ممنوعیت خروج از کشور، ابطال گذرنامه و انجام خدمات عمومی رایگان در شهرداری آبدانان محکوم شد. وی هم‌اکنون دوران محکومیت تبعید خود را در شهرستان فوج سپری می کند.

بیدادگاه انقلاب ایلام به ریاست قاضی رجب محمدی اخیرا در حکمی که به صورت حضوری به آقای علی زاده ابلاغ شده، او را از بابت اتهامهای «تبلیغ علیه نظام، تبلیغ به نفع گروههای مخالف نظام و اهانت به بنیانگذار و رهبر جمهوری اسلامی» به دو سال حبس تعزیری درجه پنج، با احتساب ایام بازداشت پیشین، محکوم کرده است.

همچنین، بر اساس رأی صادرشده، آقای علیزاده به یک سال ممنوعیت خروج از کشور، ابطال گذرنامه و انجام ۱۰۸۰ ساعت خدمات عمومی رایگان در شهرداری آبدانان به عنوان مجازات تکمیلی محکوم شده است.

احمد علی زاده، متولد ۱۳۵۱، کارمند آموزش و پرورش آبدانان، دبیر ورزش دبیرستان های این شهرستان با بیش از ۲۹ سال سابقه کار بوده است. وی پیشتر نیز به واسطه فعالیت های خود سابقه بازداشت را داشته است.

محکومیت رضا مسلمی، فعال صنفی معلمان

رضا مسلمی، فعال صنفی معلمان همدان، توسط شعبه دوم دادگاه انقلاب این شهرستان به چهار سال و یک ماه و ۱۷ روز حبس محکوم شد.

فاطمه پورصادقی، معلمی که در راه آزادی شهید شد



او معلم بود؛ با گچ و تخته، الفبای زندگی را می آموخت... اما روزی رسید که آخرین درسش را نه در کلاس، بلکه در خیابانهای رشت نوشت. گلوله، قلبش را نشانه گرفت؛ اما نتوانست ایمانش به آزادی را خاموش کند. فاطمه رفت، اما شجاعتش در حافظه ایران ماندگار شد. او به فرزندش، به شاگردانش و به همه ما آموخت که آزادی بهایی دارد و انسانهای بزرگ، برای آرمانهای بزرگ از جان خود نیز می گذرند.

نام فاطمه پورصادقی تنها نام یک معلم نیست؛ نام زنی است که درس آزادی را با خون خود امضا کرد. یادش جاودان، راهش پررهرو، و نامش تا همیشه در قلب ایران زنده خواهد ماند.

پ ن : فاطمه پور صادقی، معلم و مادر یک پسر ۸ ساله از رودبار در ۱۹ دی ماه سال پیش، با گلوله ماموران، خوش سنگفرش خیابانهای رشت شد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

کوکب بداعی پگاه به یک سال حبس محکوم شد

کوکب بداعی پگاه، معلم ساکن شهرستان ایذه، توسط شعبه ۱۰۱ بیدادگاه کیفری دو اهواز بابت اتهام تبلیغ علیه نظام به تحمل یک سال حبس تعزیری محکوم شد.

کوکب بداعی پگاه در بهمن ماه سال گذشته با دریافت ابلاغیهای به اداره اطلاعات شهرستان ایذه احضار شد. همزمان منزل این معلم توسط نیروهای امنیتی تفتیش و برخی از لوازم شخصی وی ضبط شده بود.

در آذرماه سال ۱۴۰۴، کوکب بداعی پگاه توسط شعبه ۲۰ بیدادگاه تجدیدنظر استان خوزستان در دیگر پرونده خود از اتهامات انتسابی تبرئه شد. وی پیشتر در مرحله بدوی، توسط دادگاه انقلاب اهواز، به شش سال حبس محکوم شده بود.

چالشهای معلمان

بقیه از صفحه ۴

تاکنون هیچ‌گونه اطلاع رسمی درباره دلیل انتقال به سلول انفرادی، قطع تماس و لغو ملاقات در اختیار خانواده یا نزدیکان ایشان قرار نگرفته است. گفتنی است پیش‌تر اعلام شده بود که قرار است در ارتباط با پرونده‌سازی‌های جدید علیه آقای فرهیخته در داخل زندان، بیدادگاهی برای وی برگزار شود. وی پیش از این با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرده بود که در این بیدادگاه شرکت نخواهد کرد.

آمنه بیرقداری کهرودی، نگران خانواده خود



آمنه بیرقداری کهرودی، معلم بازنشسته ۶۱ ساله اهل فریمان، در پی بازداشت در ارتباط با اعتراضات دی‌ماه، هم‌اکنون در بند دو زندان وکیل‌آباد مشهد، موسوم به بند جرائم خطرناک، نگهداری می‌شود. بر اساس گزارش‌های منتشرشده در روز پنجشنبه ۱۱ تیر ۱۴۰۵، فرزند وی، ایمان انبایی فریمانی، به سرطان مغز استخوان مبتلاست و وضعیت جسمانی او رو به وخامت است. همچنین همسر آمنه بیرقداری، علی انبایی فریمانی، معلم بازنشسته، پس از بازداشت مجدد همسرش دچار سکتة مغزی شده و در حال حاضر در کما به سر می‌برد. گزارش‌ها همچنین حاکی از آن است که آمنه بیرقداری در بند محل نگهداری خود با آزار و اذیت از سوی برخی هم‌بندیان روبه‌رو است و وسایل شخصی، از جمله لباس، کارت تلفن و حتی غذای روزانه او، بارها از وی گرفته شده است.

بیانیه در محکومیت اعدام و دفاع از حق حیات

ملت شریف ایران

در شرایطی که مردم ایران با بحران جنگی ناخواسته و روزهای دشوار روبه‌رو هستند، نگرانی عمیقی نسبت به شتاب گرفتن روند اجرای احکام اعدام و استفاده از مجازات مرگ برای ایجاد فضای رعب و هراس در جامعه وجود دارد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران تأکید می‌کند که حق حیات، حقی بنیادین و غیرقابل سلب از هر

انسان است و اعدام با هر عنوان و اتهامی نقض کرامت انسانی و مغایر با اصول پذیرفته‌شده حقوق بشر است.

تجربه بسیاری از کشورهای جهان نشان داده است که لغو یا تعلیق مجازات اعدام و جایگزینی آن با مجازات‌های اصلاحی و بازدارنده نه تنها به تضعیف امنیت اجتماعی نینجامیده، بلکه راهی انسانی‌تر و مؤثرتر برای مقابله با جرم و آسیب‌های اجتماعی فراهم کرده است. اعدام و زندان نیز در هیچ نقطه‌ای از جهان نتوانسته‌اند مانع مطالبه‌گری و آزادی‌خواهی و خواست مردم برای دستیابی به حقوق خود شوند.

ما به‌ویژه درباره زندانیان سیاسی و مدنی تأکید می‌کنیم که برخورد قضایی و امنیتی با اندیشه و اعتراض، راه‌حل مسائل جامعه نیست. هیچ انسانی نباید حتی یک روز به دلیل بیان عقیده و اعتراض مسالمت‌آمیز یا مطالبه حقوق بنیادین خود از آزادی محروم شود.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن حمایت از کارزار #سه‌شنبه‌های_نه_به_اعدام و اعتصاب غذای زندانیان واحد دو زندان قزلحصار در محکومیت اعدام، خواستار توقف فوری تمامی احکام اعدام در حال اجرا با هر عنوان اتهامی (سیاسی یا عمومی) و بازنگری جدی در پرونده‌های مرتبط است.

ما مصرانه از حاکمیت می‌خواهیم:

اجرای احکام اعدام با هر عنوان اتهامی متوقف شود. برای جرائم عادی، به جای مجازات مرگ، مجازات‌های جایگزین، اصلاحی و بازدارنده در نظر گرفته شود. در پرونده‌های سیاسی و مدنی، دادرسی عادلانه با حضور وکیل انتخابی و هیأت متصفه تضمین شود. جامعه‌ی ایران بیش از هر زمان دیگری به عدالت، گفت‌وگو و احترام به انسان و حفظ کرامت انسانی و رعایت حقوق شهروندی نیاز دارد. پایان دادن به چرخه خشونت و پاسداشت کرامت انسانی، ضرورتی تاریخی برای ساختن آینده‌ای امن و آزاد است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

۳۱ تیر ماه ۱۴۰۵

گنشهای اعتراضی معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان

اعتراض دانش‌آموزان به تأثیر قطعی معدل در کنکور

روز دوشنبه یکم تیر، دانش‌آموزان کشور در اعتراض به تأثیر قطعی معدل در کنکور و طرح ترمیم معدل در شهرهای ارومیه، ایلام، تهران، خرم‌آباد، شهرکرد، شیراز، کرمان، گرگان و... مقابل اداره کل آموزش و پرورش تجمع کردند. اعتراض سراسری دانش‌آموزان روز شنبه ۶ تیر در تهران مقابل سازمان سنجش آموزش کشور، با شعارهای «این همه بی‌عدالتی هرگز ندیده‌ام»، «دانش‌آموز می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد» ادامه پیدا کرد.

تجمع والدین دانش‌آموزان در مشهد

روز شنبه ۲۰ تیر، جمعی از والدین دانش‌آموزان با تجمع مقابل مدرسه‌ای در بلوار سجاد مشهد نسبت به کوچ اجباری فرزندان شان به مدارس دیگر اعتراض کردند.

تجمع داوطلبان آزمون استخدامی در تهران

روز شنبه ۲۷ تیر، خبر اعتراض و تجمع داوطلبان آزمون استخدامی ماده ۲۸ سال ۱۴۰۴ آموزش و پرورش نسبت به بلا تکلیفی استخدامی طی روزهای گذشته در تهران، رسانه‌ای شد.

این جاماندگان استخدام معلمی در ارتباط با دلایل اعتراض خود گفتند: ما در آزمون کتبی و مصاحبه قبول شدیم؛ هرساله تکمیل ظرفیت در آموزش و پرورش انجام می‌شد اما در سال ۱۴۰۴ با وجود بودجه و مجوز از سوی سازمان امور استخدامی و سازمان برنامه و بودجه کشور برای برگزاری تکمیل ظرفیت برای ۷۰۰۰ داوطلب، متأسفانه تکمیل ظرفیت وزارت آموزش و پرورش به ما داوطلبان اعلام کرد که برای آزمون ۱۴۰۵ آماده شوید.

آنها افزودند: حال با توجه به عدم امکان برگزاری آزمون در شرایط فعلی کشور و با توجه به کمبود معلم، وزارت آموزش و پرورش حاضر نیست ما را به عنوان نیروهای ذخیره آموزش و پرورش که تمامی مراحل مصاحبه را گذراندیم، استخدام نماید و حتی کیفیت آموزش مجازی را با به کارگیری نیروهای بازنشسته کاهش داده‌اند.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، هانا، کولبرنیوز، ایلنا)



رویدادهای هنری ماه (تیر ۱۴۰۵)

هنر مقاومت

نمایشنامه «ناشناس ۱۱۷۸۰»؛ روایت پنج دهه سرکوب



نمایشنامه مستند-نمایشی «ناشناس ۱۱۷۸۰» به نویسندگی و کارگردانی هیلا صدیقی و تهیه‌کنندگی ایمان ارجمندی این روزها در اروپا و بریتانیا روی صحنه می‌رود.

این نمایش در فضایی نمادین و تکانه‌دهنده می‌گذرد: ساختمان پزشکی قانونی کهریزک؛ مکانی که خانواده‌های بسیاری برای شناسایی پیکر عزیزان شان به آن مراجعه کرده‌اند. روایت نمایش از همین نقطه آغاز می‌شود و سپس به رخداد‌های مهم تاریخ سیاسی ایران پیوند می‌خورد؛ از حمله به کوی دانشگاه و جنبش سبز تا جنبش «زن، زندگی، آزادی» و یاد اعدام‌شدگان دهه ۶۰.

نمایش با ترکیب نقش‌خوانی، روایت مستند و زبان شاعرانه، پنج دهه سرکوب سیاسی، تجربه زیسته خانواده‌ها و حافظه جمعی جامعه را به صحنه می‌آورد.

«ناشناس ۱۱۷۸۰» تاکنون چندین بار در لندن و آمستردام اجرا شده است. نخستین اجرا در سالن «کاکبیت» لندن در فروردین و خرداد ۱۴۰۵ برگزار شد و پنجمین اجرا سوم تیرماه در سالن «کانکت‌وگ» آمستردام روی صحنه رفت. برنامه‌ریزی برای اجرای این نمایش در کشورهای دیگر نیز ادامه دارد.

سازندگان نمایش می‌گویند هدف آن نه فقط اجرای هنری، بلکه «مجالی برای شهادت، یادآوری و مقاومت» است. «ناشناس ۱۱۷۸۰» در تلاش است تا با بازخوانی روایت‌های حذف‌شده، جایگاه هنر را در ثبت حافظه جمعی و مقابله با فراموشی برجسته کند؛ روایتی که به گفته سازندگان، از دل خونبار دی‌ماه سر برآورده و صدای خاموش‌شدگان را دوباره به صحنه می‌آورد.

سرکوب علیه مقاومت

محکومیت پرستو احمدی به ۷۴ ضربه شلاق



بر اساس اعلام منابع قضایی، دادگاه کیفری قم، پرستو احمدی و هشت نفر از همراهان او را به ۷۴ ضربه شلاق تعزیری، دو سال ممنوعیت خروج از کشور و دو سال محرومیت از هرگونه فعالیت هنری محکوم کرده است. عنوان اتهامی مطرح‌شده «جریحه‌دار کردن عفت عمومی از طریق تولید و انتشار محتوای مبتذل» عنوان شده است.

پرستو احمدی در پاییز ۱۴۰۳ کاروانسرای دیر گچین (واقع در استان قم)، به‌همراه گروهی از نوازندگان مرد شامل احسان بیرقدار، سهیل فقیه‌نصیری، امین طاهری و امیرعلی پیرنیا، کنسرتی را برگزار کرد. قطعات اجرا شده در این کنسرت شجاعانه تلفیقی از موسیقی سنتی، فولکلور و قطعات خاطره‌انگیز ایرانی بود.

ویژگی متمایزکننده این کنسرت که به صورت مخفیانه و بدون تماشاگر برگزار شده بود، اجرای پرستو احمدی با پوشش اختیاری (بدون حجاب اجباری) و همخوانی/تک‌خوانی در یک بنای تاریخی در داخل ایران بود. او در ۲۱ آذر ۱۴۰۳ ویدیوی کامل این اجرا را از طریق کانال یوتیوب خود منتشر کرد. انتشار حکم شلاق و ممنوعیت فعالیت هنری، موجی از واکنش‌ها را در شبکه‌های اجتماعی و میان فعالان فرهنگی برانگیخت. از جمله حسین علیزاده، آهنگساز و نوازنده مشهور تار، در جریان مراسمی در خانه هنرمندان برای بزرگداشت «استیون بلام»، پژوهشگر نامدار موسیقی ایرانی، گفت: «متأسفانه در روزی حرف می‌زنم که یک تعداد از هنرمندان ما محکوم به شلاق شدند؛ یعنی عصر حجر جلوی چشم ماست.» او افزود: «پیشنهاد می‌کنم این تعداد شلاق را بین ما تقسیم کنند. من حاضرم هفتاد شلاق را قبول کنم.»

بازداشت سپیده ابطحی، مستندساز و تدوینگر سینما



سپیده ابطحی، مستندساز و تدوینگر شناخته‌شده و عضو «خانه سینما»، صبح چهارشنبه ۲۴ تیر در پی یورش نیروهای امنیتی به منزل خانوادگی‌اش در تهران بازداشت شد. مأموران امنیتی علاوه بر بازداشت او، تعدادی از وسایل الکترونیکی شخصی و کاری‌اش را نیز ضبط کردند.

خانواده ابطحی اعلام کرده‌اند که هیچ نهادی مسئولیت این بازداشت را برعهده نگرفته و اطلاعاتی درباره محل نگهداری یا اتهامات احتمالی او منتشر نشده است. خواهر او در واکنشی احساسی نوشت خانه‌ای که در جنگ آسیب دیده بود، با بردن سپیده «دوباره ویران شد».

نزدیکان این مستندساز می‌گویند او در ماه‌های اخیر بارها در شبکه‌های اجتماعی مواضع صریحی در مخالفت با جنگ و دفاع از صلح منتشر کرده بود.

این مستندساز پیش‌تر در جریان جنبش «زن، زندگی، آزادی» نیز به جمع هنرمندانی پیوست که در حمایت از معترضان موضع‌گیری کردند. او با انتشار تصویری بدون حجاب اجباری در صفحه اینستاگرام خود نوشته بود: «کنار و همدل با وطنم، با مردم، با داغداران. داغدار می‌مانم تا روز دادخواهی؛ برای روز آزادی و برای خون شهیدان زیبای راه آزادی. لطفاً به دیدن این چهره از ما عادت کنید.»

محکومیت داود عباسی، فیلمساز، به ۲۰ ماه حبس تعزیری



داود عباسی قشلاقی، فیلمساز ۴۰ ساله اهل کرج، که در جریان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ بازداشت شده بود، توسط شعبه دوم دادگاه انقلاب کرج به در مجموع ۲۰ ماه حبس تعزیری محکوم شد. این حکم شامل ۱۴ ماه حبس بابت «اجتماع و تبانی علیه امنیت داخلی» و ۶ ماه حبس بابت «فعالیت تبلیغی علیه نظام» است.

عباسی در ۲۰ دی‌ماه ۱۴۰۴ در جریان تجمعات کرج با خشونت شدید بازداشت و به زندان قزل‌حصار منتقل شده بود. این حکم یکی از تازه‌ترین نمونه‌های برخورد قضایی با هنرمندان و فعالان فرهنگی در بستر اعتراضات سیاسی است.

جشنواره/ نمایشگاه

لغو بودجه بینال ونیز توسط کمیسیون اروپا



کمیسیون اروپا به‌طور رسمی لغو کمک‌هزینه دو میلیون یورویی جشنواره «بینال» ونیز برای دوره ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۸ را تأیید کرد.

این تصمیم پس از آن اتخاذ شد که بنیاد بینال اعلام کرد پاپوین روسیه در دوره جدید دوباره بازگشایی خواهد شد؛ اقدامی که با توجه به جنگ اوکراین و تحریم‌های اروپا علیه مسکو، بحث‌برانگیز تلقی شد.

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۶

کمیسون اروپا تاکید کرده که فرهنگ چون با پول مالیات دهندگان تامین می‌شود، باید ارزشهای دموکراتیک را پاسداری کند؛ ارزشهایی که «در روسیه امروز رعایت نمی‌شود».

این تصمیم با موجی از انتقادات روبرو شده و برخی چهره‌های هنری و سیاسی اروپا آن را دخالت بیش از حد بروکسل در امور فرهنگی دانسته‌اند. حزب راست‌گرای «لیگ شمال» در ایتالیا اعلام کرده دولت باید بودجه قطع شده را جبران کند.

سرمایه‌داری و تخریب طبیعت در نمایشگاه‌های هنری اسکاندیناوی



در ماه جاری و ماه گذشته میلادی، مجموعه‌ای از نمایشگاه‌های هنری در نروژ، سوئد، دانمارک و فنلاند با محور نقد سرمایه‌داری و پیامدهای زیست‌محیطی آن برگزار شد. این نمایشگاه‌ها نقش صنایع نفتی، چوب، معدن و حمل‌ونقل دریایی را در تخریب طبیعت برجسته می‌کنند.

در نروژ، نمایشگاه‌هایی مانند «Petro-Myths» و «Arctic Ruins» به بررسی تاثیر حفاریهای نفتی بر مناطق قطبی پرداختند. در سوئد، «Forest Capitalocene» نابودی جنگلها توسط شرکتهای چوب و کاغذ را نقد کرد و «Waste Utopia» نقش صنایع فناوری در تولید زباله‌های الکترونیکی را به نمایش گذاشت. دانمارک با نمایشگاه «Sea of Profits» به آلودگی اقیانوسها توسط شرکتهای حمل‌ونقل دریایی پرداخت و پروژه «Ocean Debt» مفهوم «بدهی اکولوژیک» صنایع را به‌صورت تعاملی برای مخاطبان توضیح داد. در فنلاند نیز «Mining the Future» و «Toxic Landscapes» پیامدهای استخراج معادن و سبز شویی شرکتهای صنعتی را برجسته کردند.

حذف اثری روشنگرانه در باره شخصیت‌های مورد تجلیل بریتانیا



در یکی از بحث‌برانگیزترین رویدادهای هنری اروپا در هفته‌های اخیر، اثر ویدیویی «Persistence» (پایداری) از هنرمند برنده جایزه ترنر، «هلن کاماک»، از نمایشگاه «گالری پرتره ملی لندن» (National Portrait Gallery) خارج شد و بار دیگر موضوع آزادی بیان در نهادهای فرهنگی را به صدر مباحث هنری بریتانیا بازگرداند. «پایداری» یک فیلم ۴۰ دقیقه‌ای است که با ترکیب تصویر، روایت، آرشیو و گفتار، به مساله حافظه تاریخی و شخصیت‌هایی می‌پردازد که در تاریخ رسمی بریتانیا مورد تجلیل قرار گرفته‌اند. کاماک در بخشی از فیلم، هنگام اشاره به سیاست‌های «الیور کرامول» در ایرلند، از نقش چرچیل در قحطی بنگال نیز یاد می‌کند و این دو را در چارچوب استفاده از گرسنگی به‌عنوان ابزار قدرت به یکدیگر پیوند می‌دهد.

قحطی بنگال در سال ۱۹۴۳، که در جریان جنگ جهانی دوم رخ داد، حدود سه میلیون قربانی بر جای گذاشت. درباره نقش دولت بریتانیا و شخص وینستون چرچیل در این فاجعه، میان تاریخ‌نگاران اختلاف نظر جدی وجود دارد.

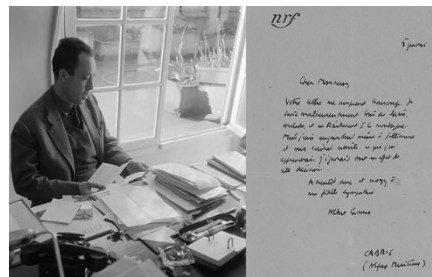
انتشار این روایت با واکنش تند گروهی از سیاستمداران محافظه‌کار و تاریخ‌نگاران بریتانیایی روبرو شد. «اندرو رابرتز»، زندگینامه‌نویس چرچیل، نامه‌ای سرگشاده خطاب به هیأت امنای گالری منتشر کرد که به امضای بیش از پنجاه عضو مجلس اعیان، از جمله «سر نیکلاس سومز»، نوه وینستون چرچیل، رسیده بود.

هلن کاماک در واکنش به این اعتراضها تاکید کرد: «پرسش کردن، به چالش کشیدن و کاوش در تاریخ برای یک جامعه سالم ضروری است و هنر بخشی جدایی‌ناپذیر از این فرایند است».

او همچنین گفت که تصمیم به خارج کردن اثر از نمایشگاه را شخصاً گرفته است، اما این تصمیم را نتیجه فضای فزاینده فشار بر هنرمندان و نهادهای فرهنگی دانست و هشدار داد که چنین فشارهایی می‌تواند آزادی هنری را محدود کند.

ادبیات

خرید مجموعه دست‌نوشته‌های آلبر کامو توسط دولت فرانسه



کتابخانه ملی فرانسه مجموعه‌ای شامل صدها سند و دست‌نوشته «آلبر کامو»، نویسنده برجسته فرانسوی و برنده جایزه نوبل، را به ارزش ۹ میلیون یورو خریداری کرد.

این مجموعه شامل نسخه‌های اولیه رمانهای «بیگانه» و «آدم اول»، دفترچه‌های یادداشت، مکاتبات خصوصی و کارت شناسایی جعلی کامو در دوران مقاومت فرانسه است. وزیر فرهنگ فرانسه این خرید را «مهم‌ترین سرمایه‌گذاری دولت در میراث ادبی» توصیف کرده است.

نکته جالب این اسناد این است که خود آلبر کامو در نگهداری نوشته‌هایش بسیار منظم بود و آنها را طبقه‌بندی کرده بود.

پس از مرگ ناگهانی‌اش نیز، «فرانسین»، همسرش کار شناسایی آثار، تاریخ‌گذاری و تطبیق داده‌ها را انجام داد.

قرار است بخشی از این مجموعه در نمایشگاه سال ۲۰۲۷ به مناسبت هفتادمین سال دریافت جایزه نوبل کامو به نمایش گذاشته شود و نسخه‌های دیجیتال آن نیز برای دسترسی عمومی منتشر گردد.

سینما

«Ink»؛ وقتی سینما به سراغ قدرت رسانه می‌رود



فیلم جدید «دنی بویل»، کارگردان بریتانیایی سازنده آثاری چون «Slumdog Millionaire» و «Trainspotting»، با عنوان «Ink» یکی از مهم‌ترین پروژه‌های سینمایی سال آینده معرفی شده است. این فیلم که قرار است افتتاح‌کننده جشنواره فیلم ونیز ۲۰۲۶ باشد، به رقابت قدرت، رسانه و سیاست در بریتانیا می‌پردازد.

«Ink» داستان خرید روزنامه بریتانیایی «The Sun» توسط غول رسانه‌ای استرالیایی «روپرت مرداک» در سال ۱۹۶۹ و همکاری او با سردبیر «لری لمب» را روایت می‌کند؛ دو شخصیتی که با تغییر سبک روزنامه‌نگاری عامه‌پسند، یکی از تاثیرگذارترین رسانه‌های سیاسی بریتانیا را شکل دادند.

اهمیت «Ink» فقط به یک داستان تاریخی محدود نیست. فیلم به دوره‌ای می‌پردازد که در آن روزنامه‌ها هنوز مهم‌ترین ابزار شکل‌دهی افکار عمومی بودند، اما در عین حال پرسشی امروزی مطرح می‌کند: چه کسی روایت جامعه را کنترل می‌کند؟ صاحبان رسانه یا مردم؟

«Ink» می‌تواند فرصتی برای بررسی نقش سرمایه در تولید فرهنگ و سیاست باشد. مساله اصلی فیلم این نیست که فقط چگونه یک روزنامه موفق شد، بلکه این است که چگونه انتخاب موضوعات خبری، زبان و تصویرسازی می‌تواند افکار عمومی را شکل دهد و آیا رسانه در نظام سرمایه‌داری فقط انتقال‌دهنده خبر است یا خود یک قدرت سیاسی مستقل؟

فیلم در شرایطی اکران می‌شود که بحث درباره اخبار جعلی، پوپولیسم، مالکیت رسانه‌ها و نقش میلیاردرهای فناوری در سیاست در سراسر جهان شدت گرفته است. از این منظر، داستان مرداک فقط یک فصل از تاریخ مطبوعات بریتانیا نیست، بلکه بخشی از تاریخ شکل‌گیری سیاست رسانه‌ای معاصر است.

گونگون

بازداشت کم‌دین ترک به اتهام توهین به اسلام و اردوغان

«دنیز گوکتاش»، کم‌دین شناخته‌شده ترک، پس از انتشار اجرای استندآپ کمدی‌اش در یوتیوب، هنگام ورود به فرودگاه استانبول بازداشت شد.

بقیه در صفحه ۸

متن سخنان زینت میرهاشمی در اجلاس شورای ملی مقاومت ایران

پاریس، جمعه ۵ تیر ۱۴۰۵ - ۲۶ ژوئن ۲۰۲۶

درد خانم مریم رجوی عزیز و یاران شورایی و به ویژه میهمانان عزیز یاد زندانیان سیاسی سرپرده‌دار، جان‌باختگان راه آزادی، و همه کسانی که در برابر استبداد شوریدند و جان خود را فدای آرمان آزادی و عدالت کردند، گرمی باد حفظ حافظه تاریخی جنبشهای ضد دیکتاتوری، تنها ادای احترام به گذشته نیست؛ بخشی از مبارزه امروز ماست. حکومت‌های استبدادی علاوه بر کشتن مخالفان، می‌کوشند حقیقت را به قتل برسانند، تاریخ را تحریف کنند و روایت خود را جایگزین واقعیت سازند. از همین رو، دفاع از حقیقت و مقابله با روایت‌های جعلی دیکتاتورها، عرصه‌ای از یک نبرد واقعی و جاری است. این نکته را گفتم برای یادآوری قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان خونین سال ۶۷، کشتار آبان سال ۹۸ و ۱۴۰۱ و قتل عام هزاران نفر از هموطنانمان طی ۲ روز در دی ماه ۱۴۰۴ و پس لرزه‌های قیام سراسری دی ماه، و اعدام‌هایی که همچنان ادامه دارد.

دلایل انفجار خشم توده و قیام‌های انقلابی همچنان وجود دارد و ویرانی‌های ناشی از جنگ، آن را عمیق‌تر کرده است. از این منظر، تحولات خارجی در وظایفی که جامعه معترض در برابر خود نهاده و با قیام‌های سلسله‌وار بر تحقق عملی به آن‌ها تأکید ورزیده است، تغییری ایجاد نمی‌کند. مسیر صلح، آزادی و عدالت از روی گور رژیم مستبد و جنگ‌افروز می‌گذرد. تفاهم دولت آمریکا و رژیم ایران، پایان موقت جنگ است، اما آغاز صلح نیست؛ زیرا در این تفاهم‌نامه هیچ‌گونه نشانی از به رسمیت شناختن حقوق مردم وجود ندارد. این تفاهم‌نامه با یک رژیم استبدادی منعقد شده است؛ رژیمی که مردم در آن هیچ نقشی ندارند. بنابراین، این توافق می‌تواند سیاست مماشات را با نادیده گرفتن حقوق مردم ادامه دهد.

از این منظر، تحولات خارجی تغییری در مطالبات بنیادینی که جامعه معترض برای تحقق آن‌ها به میدان آمده و با قیام‌های پی‌درپی بر ضرورت تحققشان تأکید کرده است، ایجاد نمی‌کند.

لغو تظاهرات مقاومت ایران در ادامه همان سیاست مماشات با دیکتاتوری دینی قابل ارزیابی است با این تفاوت که این بار، جریانهای فاشیستی وابسته به رضا پهلوی نیز برای محدودسازی حق تجمع تلاش کردند. لغو کردن تظاهرات محصول توطئه شیخ و شاه و تقویت سیاست مماشات بود.

در مقابل این توطئه ضد انسانی و غیر دموکراتیک، هزاران ایرانی در گوشه و کنار پاریس، از جمله در میدان ووبان، جمهوری، تروکادرو، باستیل و... با خروش اعتراضی خود همدستی دولت فرانسه به شیخ و شاه را محکوم کرده و صدای زندانیان سیاسی را به گوش جهانیان رساندند. برآمد خروش زنان و مردان آزادیخواه نقش برآب کردن توطئه شیخ و شاه و مماشات بود. من به شما و همه ی آنها درود می‌فرستم که بخشی از آن سیل جوانان شورشی روز شنبه امروز در همین سالن هستند.

ایستادگی شما در این مسیر پر پیچ و خم هم در جنگ سیاست و هم جنگ در میدان، در کانون مقاومت، قابل تحسین است. من پیروزی روز ۲۰ ژوئن علیه مماشاتگران را تبریک می‌گویم.

لکه ننگ دیدار با قاتل پدر

زینت میرهاشمی

مازیار جزنی هیچگاه در جنبش آزادیخواهانه مردم ایران نقشی نداشته و دیدار او با رضا پهلوی فاقد ارزش سیاسی است. رفیق منصور امان در این مورد می‌نویسد: «حرکات این خودفروخته چندان آور است. نه فقط نسبت‌اش را با بیژن دستانمایه یک شهرت بونیاک و ناآل آمدن به رعیتی یک مهره دست دوم نیابتی کرده، بلکه خودش را برای لجن‌مال کردن مبارزه مسلحانه دوران شاه در اختیار وی و طیف بدنامش گذشته.

اما این تنها سرویسی نیست که او برای آوازه در کردن و مقرب دربار شدن به طیف فاشیست و ساواک پرور می‌دهد؛ به جمله آخر متن همراه عکس در باره بیژن توجه کنید: "او در سال ۱۹۷۵ هنگام تلاش برای فرار کشته شد."

این فرد با نام خانوادگی جزنی برای قاتلان بیژن و صدها فدایی و مجاهد و مبارز دیگر نقش دستمالی برای پاک کردن پرونده کثیف آنها را بازی می‌کند. او جوهر زهرآگینی است که پای تبرئه نامه جلادان و آدمکشان پهلوی امضاء می‌گذارد.»

جنبه مضحک این دیدار، بیان نظریه لنین در مورد انقلاب از جانب مازیار است. ادا و اطوار دانشمندانه نمی‌تواند لکه ننگ ملاقات با قاتل پدر را پاک کند.

در سوگ فقدان هنرمند برجسته، رفیق رضا اولیا



با دریغ و اندوه، یکی از برجسته‌ترین هنرمندان ایران زمین، رفیق رضا اولیا امروز پنجشنبه ۱۸ تیر ۱۴۰۵ در شهر رم درگذشت. استاد رضا اولیا، مجسمه‌ساز، نقاش و نویسنده‌ای متعهد و مبارز بود که بیش از شصت سال از عمر خود را در مبارزه با دیکتاتورهای شاه و شیخ گذراند.

در دوران دیکتاتوری شاه همزمان با فعالیت در جنبش اعتراضی در خارج از ایران، عضو حزب کمونیست ایتالیا (اکنون حزب دموکراتیک) شد.

با به قدرت رسیدن خمینی رفیق رضا به مبارزه علیه استبداد ادامه داد و با تأسیس شورای ملی مقاومت ایران از این شورا حمایت نمود و در سال ۱۳۷۴ به عضویت آن در آمد. برخی از مجسمه‌های ساخته شده به وسیله رفیق رضا در مراکز هنری و میدانهای ایتالیا و در موزه مقاومت ایران نگهداری می‌شود.

از جانب خود و رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، فقدان رفیق رضا اولیا را به خانواده و بستگان او، به فعالان و رزمندگان جنبش مقاومت مردم ایران، به هنرمندان متعهد و به تمامی آزادیخواهان ایران تسلیت می‌گویم.

مهدی سامع

پنجشنبه ۱۸ تیر ۱۴۰۵ - ۹ ژوئیه ۲۰۲۶

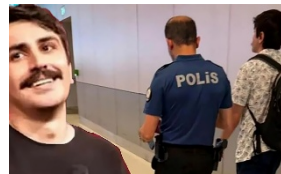
آخرین دیدار با رفیق رضا اولیا



روز سه شنبه ۲۳ تیر (۱۴ ژوئیه ۲۰۲۶) مراسم آخرین دیدار با هنرمند برجسته رفیق رضا اولیا در سالن شهرداری شهر فیانو رم برگزار شد و در همین روز و پس از مراسم، پیکر زنده یاد رضا اولیا در گورستان همین شهر به خاک سپرده شد. از طرف سازمان چریکهای فدایی خلق ایران رفیق مهرداد قادری با دسته گل سازمان در مراسم آخرین دیدار شرکت کرد.

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۷



او به دلیل طنزهای سیاسی‌ای که در استندآپ «دریای مرده» در یک تئاتر روباز در استانبول اجرا کرد، متهم به «توهین علنی به ارزشهای دینی» و «هانت به رئیس‌جمهور رجب طیب اردوغان» شده و چند پرونده قضایی علی او تشکیل شده است.

ضبط این اجرا ۲۴ ژوئن منتشر شد و از آن زمان نزدیک به ۹ میلیون بار دیده شده است. دنیز گوکتاش در این برنامه با نگاهی طنزآمیز به تحولات سیاسی ترکیه پرداخت و تقریباً همه جناحهای صحنه سیاست، از جمله رقیب زندانی اردوغان، «اکرم امام‌اوغلو»، شهردار استانبول، را دست انداخت؛ بازداشتی که سال گذشته موجی از اعتراضهای گسترده خیابانی را برانگیخت. در اجرای منتشرشده، گوکتاش درباره کتابهای مقدس و قرآن نیز شوخیهایی مطرح کرده بود که آن را مقامات ترکیه دستاویز حمله و پیگرد وی قرار داده‌اند.

بازداشت گوکتاش در شرایطی صورت می‌گیرد که دولت ترکیه دامنه سرکوب علیه هر کسی را که منتقد دولت اسلامگرای محافظه‌کار ترکیه یا ارزشهای آن تلقی می‌شود، گسترش داده و پرونده‌های قضایی فزاینده‌ای علیه موسیقی‌دانان، هنرمندان، روزنامه‌نگاران و سیاستمداران و دیگران به جریان افتاده است.

(منابع: جنگ خبر، رادیو زمانه، هه‌نگاو، گاردین، ژاکوبین، یورنیوز، آرت رویو، رادیو فردا، همراه)

اعدام؛ راهکاری برای بقای امنیت نظام

اسامی ۵۳ تن از زندانیان اعدام شده در تیر ۱۴۰۵



عرفان اسفندیاری

دوشنبه ۲۹ تیر: سلمان غلامی در اردبیل ۱ تن
سه‌شنبه ۳۰ تیر: میثم ایرندگانی در ایرانشهر/ ایوب
محبی در کرج ۲ تن



میثم ایرندگانی



مهدی خانگی

چهارشنبه ۳۱ تیر: ایرج ابراهیمی‌زاده در ایلام/ یاسین
هاشم زهی (ولانی) در زاهدان/ علی مرشد در مشهد/ مهدی
خانگی (سیاسی) در کرج / علی‌احمد یوسفی در جیرفت/
عبدالواحد سنگری در ایرانشهر ۶ تن

بقیه در صفحه ۱۰

سلمان کاکه خانی، سهراب نورمحمدی، فردین برنال و سجاد
علی زاده در تبریز ۶ تن
چهارشنبه ۲۴ تیر: عارف خوشکار (سیاسی)،



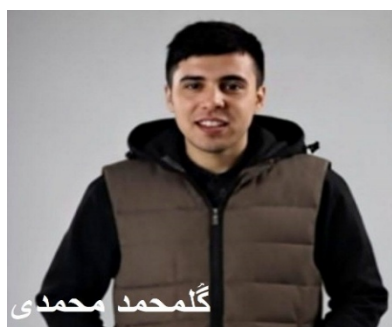
عارف خوشکار



محمد امینی دهاقانی

عباس نثاری در کرج/ محمد امینی دهاقانی (سیاسی)،
پیمان عظیمی، پروین چاردولی و مهران مومنی در
اصفهان/ احسان ریاحی در شیراز/ فردوس معماری، شاهین
صدر و سعید آرمند در ساری/ کریم میرزایی در الیگودرز/
امین خدیری میرقائد در شوشتر/ مهدی شهریسوند و علی رضا
بارانی در خرم‌آباد ۱۴ تن

آدینه ۲۶ تیر: اکبر شیخ میری در خرم‌آباد ۱ تن
شنبه ۲۷ تیر: اعظم گرامی در یاسوج ۱ تن
یکشنبه ۲۸ تیر: عرفان اسفندیاری (سیاسی) و
گل محمد محمدی (سیاسی) در اصفهان ۲ تن



گل محمد محمدی

زندانیان سیاسی و زنان اعدام شده با رنگ سرخ
مشخص شده‌اند

بر اساس گزارش سالانه مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران،
در سال ۱۴۰۴ دستکم ۲۴۸۸ شهروند، از جمله ۶۳ زن و دو
کودک مجرم، در ایران اعدام شدند و حکم ۱۳ نفر نیز در
ملأعام اجرا شد. در همان سال، دستکم ۱۳۰ نفر دیگر، از
جمله ده زن و یک کودک مجرم، به اعدام محکوم شدند.

دوشنبه ۱ تیر: محمدعلی حاجی‌حسینی و محمود قائم در
یاسوج ۲ تن
سه‌شنبه ۲ تیر: سامان رشیدی در اهواز ۱ تن
چهارشنبه ۱۰ تیر: رسول رسولی در شیراز/ شورش
ستارزاده در سنندج ۲ تن



اجرای حکم اعدام رسول رسولی

یکشنبه ۱۲ تیر: عباس عبدالملکی در کرج ۱ تن
سه‌شنبه ۱۶ تیر: جبار خادم و حسین علی زمانی در شیراز/
الیاس آذرپیرا در رشت ۳ تن
چهارشنبه ۱۷ تیر: اسماعیل قدیری در کاشان/ سیامک
عباس‌زاده در قزوین ۲ تن
یکشنبه ۲۱ تیر: (ستایش محمدپور)، حسین رحیم
خانلی و مراد ایران منش در شیراز/ محمد ایمانی و اسد
علیجانی در شیروان ۵ تن



مراد ایران منش

حسین رحیم خانلی

دوشنبه ۲۲ تیر: عبدالرضا حیدری، مهدی لطیفی، جواد
ابوالفتحی و عزت خسروئاد در تبریز ۴ تن
سه‌شنبه ۲۳ تیر: محی‌الدین عبداللہی (سیاسی)
در کرج/ حسین پالانی جاف (سیاسی) در کرمانشاه/

آتش بس فرو ریخت، آتش افروزان در کارند

منصور امان

کند و وعده آن به مذاکرات جدی تر پس از سی روز - آنگونه که امروز بهتر می توان دریافت - بی پشتوانه و لفاظی ناب بود. چه، وقتی «تفاهمنامه» در اصلی و مرکزی ترین قرار خود یعنی «آتش بس»، پوچ و بی معنی حساب می شود، آنگاه می توان تصور کرد که نقشه راه ترسیم شده برای آن تا چه حد فانتزی و دور از واقعیت است.

اما هر سندی برای بی اعتبار شدن به یک عامل نیاز دارد و این وظیفه را بازماندگان علی خامنه ای به جا آورده اند. آنها برابر با سنت کج فهمی «آقا» و محاسبه غلط وی از این یا آن اوضاع، می پندارند که ترامپ به تله نفت و انتخابات افتاده و به هر صورت خواهان توافق است و از این رو به فشار برای



به گرسی نشانیدن نقشه شان در مورد تنگه هرمز روی آورده اند. حاکمان ج.ا به راستی گمان می کنند جملات محدود از جنس آنچه که در این ماه بدان دست زدند، موضع آنها را گرد میز مذاکره تقویت می کند و ترامپ را وادار به دادن امتیازهای مورد نظرشان خواهد کرد.

کارنامه سیاه تراوشات ذهنی دستگاه قدرت ج.ا به گونه زنده و ملموس در برابر دید مردم ایران است و پیامدهای مخرب آن دامنگیر تک تک آنها، از زن و مرد تا پیر و جوان شده است. تنشهای تازه گواهی دیگر بر این حقیقت است که بدون خاکستر شدن آتش افروزان، از جنگ، تحریم، فلاکت و سرکوب گریزی نخواهد بود.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۱۸ تیر

چنین می نماید حمله سپاه پاسداران به سه کشتی در روزهای دوشنبه و سه شنبه همان قطره ای بوده باشد که فتنان بحران را سرریز کرده است. این حملات که در ابتدای ماه جاری با حمله به چهار کشتی دیگر آغاز شده بود، در عمل به آتش بس برقرار شده در نشست پاکستان خاتمه داده و شرایط را به پیش از آن بازگردانده است.

در پاسخ به ایجاد تنش و درگیری نظامی از سوی ج.ا، آمریکا نیز به زنجیره ای از حملات به مواضع نظامی در طول ساحل جنوبی ایران دست زد. رییس جمهوری آمریکا اما به این نیز

بسنده نکرد و از ضربات نظامی بیشتر سخن گفت. او رهبران ج.ا را «شرور، بیمار و فریبکار» خواند و «تفاهمنامه و آتش بس» را پایان یافته دانست. به موازات آن، آمریکا همچنین معافیت موقت تحریمهای نفتی ج.ا را لغو کرد و احتمال می رود محاصره نفتی ج.ا را از سر بگیرد. این رویدادها در مجموع نشانگر تشدید بحران و رویارویی دوباره نظامی و اقتصادی است، هرچند که ابعاد و دامنه آن در روزهای آینده روشن تر خواهد شد.

وضعیت امروز ادامه بی گسست درگیری ای است که از جنگ دوازده روزه آغاز شد و با فراز و نشیبهایی، رانده شده از سوی بحران به نقطه کنونی رسیده است. در این مدت هیچیک از پرسشهایی که منتهی به جنگ شد، پاسخ قطعی نگرفته است و بدینگونه از بحران چون یک زخم باز همچنان خون می ریزد و سر به چرکین شدن گذاشته است.

«تفاهمنامه» بیش از آنکه مدخلی برای به هم آوردن این زخم باشد، یک پانسمن سطحی برای تسکین مصائبی بود که دو طرف از آن رنج می بردند، سندی که با جملات دوپهلوی و فرمول بندیهای تفسیرپذیر در عمل نمی توانست گره ای را باز

اعدام؛ راهکاری برای بقای امنیت نظام

بقیه از صفحه ۹



خبر زندان

روز دوشنبه ۱ تیر، مصطفی نظامی محکوم به اعدام از طریق بلیدن قرص و مصرف مواد مخدر در زندان قزلحصار دست به خودکشی زد و جان خود را از دست داد. جبار مصطفی زندانی سیاسی تبعه کشور عراق در زندان اوین پس از بروز سکنه قلبی، جان خود را از دست داد.

آدینه ۵ تیر، شماری از زندانیان سیاسی که در جریان قیام دی ماه ۱۴۰۴ بازداشت شده و اکنون در زندان مرکزی ساوه محبوس هستند، به طور هماهنگ در بندهای مختلف زندان مرکزی ساوه دست به اعتصاب غذا زدند.

روز شنبه ۲۷ تیر، افشین البندی، زندانی اهل فولادشهر و محبوس در زندان اصفهان و از قهرمانان سابق رشته بوکس در سطح ایران و همچنین کاپ اروپا به دلیل وخامت بیماری ناشی از شرایط نامناسب بهداشتی زندان و نبود رسیدگی پزشکی مناسب جان خود را از دست داد.

یکشنبه ۲۸ تیر: شماری از خانواده های زندانیان محکوم به اعدام مقابل زندان قزلحصار کرج دست به تجمع اعتراضی زدند.

چهارشنبه ۳۱ تیر، دهمین روز اعتصاب غذا و تحصن زندانیان واحد دو زندان قزلحصار کرج

جا مانده از ماه های پیش ۳ تن

چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت: هادی (احسان) علی پور **سه شنبه ۲۶ خرداد**: حسین وحیدپور و فرشاد پهلوانی در سمنان



هادی علی پور

کامران عالمی نژاد

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۱

تز دکترای در اوین، «پروتستانتیزم اسلامی»



روزبه کلانتری، دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه تهران و متولد شهرستان دلفان در استان لرستان، از ۲۲ آبان ۱۴۰۴ برای اجرای حکم قطعی حبس در زندان اوین به سر می‌برد. بر اساس اطلاعات موجود، آقای کلانتری ۴۴ ساله است و نخستین بار در مهرماه ۱۴۰۲ بازداشت

شد. او پس از حدود ۵۰ روز بازداشت، با تودیع وثیقه از زندان آزاد شد. پرونده او سپس در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران، به ریاست ابوالقاسم صلواتی، مورد رسیدگی قرار گرفت و این دادگاه او را به هفت سال حبس محکوم کرد. اتهامهای مطرح شده علیه این دانشجوی دکترا، «تشکیل گروه به قصد برهم زدن امنیت کشور»، «اجتماع و تبانی» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام» عنوان شده بود. حکم هفت سال حبس او در مرحله تجدیدنظر عیناً تأیید شد، اما پس از درخواست اعاده دادرسی از سوی وکیل پرونده، این حکم نقض و در نهایت به دو سال حبس قطعی کاهش یافت.

آقای کلانتری از آبان‌ماه ۱۴۰۴ برای تحمل دوران محکومیت خود بازداشت و به زندان اوین منتقل شده است. به گفته یک منبع مطلع، او اکنون در بند هفت زندان اوین نگهداری می‌شود و هم‌زمان با دوران حبس، در حال نگارش رساله دکترا خود است. موضوع پایان‌نامه دکترا او «پروتستانتیزم اسلامی» اعلام شده است.

موج گسترده احضارها در دانشگاه خواجه‌نصیر

روند احضار و پرونده سازی انضباطی در دانشگاه خواجه‌نصیر نه تنها متوقف نشده، بلکه با شتابی چشم‌گیر وارد مرحله‌ای تازه شده است. طبق برآوردهای پیشین که از گسترش قابل توجه این روند خبر می‌داد، اکنون شمار پرونده‌های فعال از ۲۲ مورد عبور کرده و هر روز در حال افزایش است؛ آماري که ابعاد فشارهای جاری بر فضای دانشگاه را بیش از پیش آشکار می‌کند.

دامنه احضارها دیگر صرفاً محدود به دانشجویانی که پیش‌تر احضار شده بودند و مربوط به تجمعات دی‌ماه نیست و اکنون دانشجویانی که در تجمعات اسفندماه حضور داشتند نیز به‌طور گسترده در معرض احضار، تفهیم اتهام و تشکیل پرونده قرار گرفته‌اند. این گسترش هم‌زمان پرونده‌ها نشان می‌دهد فشارهای انضباطی وارد مرحله‌ای فراگیرتر شده است. در میان موارد ثبت‌شده، گزارش‌هایی نیز از تشکیل هم‌زمان سه پرونده مجزا برای برخی دانشجویان وجود دارد؛ وضعیتی که سابقه که نشان می‌دهد برخوردها از سطح رسیدگی موردی عبور کرده و به سازوکاری فرسایشی برای اعمال حداکثری فشار بدل شده است.

احضار دستکم ۴۰ دانشجو دانشگاه تهران

شروع موج گسترده سرکوب جدید در دانشگاه تهران به وقایع هفته‌ی اول اسفندماه سال پیش بر می‌گردد. پیامکها و تماسهای تلفنی برای احضار به کمیته انضباطی از دوشنبه ۴ اسفندماه ۱۴۰۴ آغاز شد و پس از شروع جنگ، با وجود غیرحضور بودن دانشگاه، جهش بی‌سابقه‌ای یافت.

تماس گیرندگان، بدون ارائه هیچ‌گونه مستنداتی، اتهاماتی را به دانشجویان نسبت داده و از آنان خواستند دفاعیه‌های خود را پیش از تشکیل جلسه، به صورت آنلاین به ایمیل دبیرخانه شورای انضباطی ارسال کنند. این در حالی است که این اقدام برخلاف شیوه‌نامه انضباطی دانشجویان (۱۴۰۳) است؛ چرا که تفهیم اتهام، ارائه مستندات و اخذ دفاعیات باید در چارچوب

جلسات حضوری کمیته بدوی انجام شود و ارسال دفاعیه از طریق ایمیل، جایگزین قانونی این فرآیند محسوب نمی‌شود.

با این حال، دانشگاه وقیحانه به این روند ادامه داده و گزارش‌ها حاکی از آن است که تعداد کثیری از دانشجویان «که رسانه مستقل تهران - دانشجو تا زمان تنظیم این گزارش هویت دست‌کم ۴۰ نفر از آنان را احراز کرده است» به کمیته انضباطی احضار شده‌اند و با اتهام‌های سنگینی همچون «ایجاد بلوا و آشوب»، «عنصر اصلی تجمع غیرقانونی»، «توهین به شعائر ملی و مذهبی»، «سردادن شعارهای ساختارشکنانه»، «اخلال در روند دانشگاه» و موارد مشابه مواجه شده‌اند.

... در این میان، جولان کانالهای بسیجی در پرونده سازی علیه دانشجویان اهمیت بسیاری دارد. دانشگاه از محتوای این کانال‌ها برای تشکیل پرونده علیه دانشجویان استفاده کرده و بدون تحقیق و تفحص مستقل، همان محتوا را به عنوان مستندات علیه دانشجویان مورد استناد قرار داده است.

حذف خدمات رفاهی به بهانه مدیریت بودجه



در پی انتشار خبرهایی درباره تغییرات اساسی در خدمات تغذیه دانشجویی، شوراهای صنفی ۳۴ دانشگاه کشور در روز شنبه ۶ تیر ۱۴۰۵، با انتشار بیانیه‌ای مشترک نسبت به اجرای طرح جدید تغذیه از مهر ۱۴۰۵ ابراز نگرانی کردند.

بر اساس آنچه در جلسه ۱ تیرماه ۱۴۰۵، با حضور برخی معاونان دانشجویی و دبیران شوراهای صنفی در سازمان امور دانشجویان مطرح شده، قرار است سلف‌های مرکزی دانشگاه‌ها به‌تدریج از چرخه خدمات خارج شوند و یارانه تغذیه به‌صورت اعتبار مستقیم به دانشجو اختصاص یابد تا دانشجویان غذای خود را از رستوران‌ها و مراکز طرف قرارداد تهیه کنند. در این نشست، هرچند مقامات معاونت دانشجویی، ابتدا این طرح را با عنوان‌هایی مانند ارتقای کرامت دانشجویی توجیه کردند، اما به گفته حاضران، در ادامه تأکید شد که این تصمیم با هدف مدیریت بودجه در سطح کلان اتخاذ شده و امکان تغییر کلیات آن وجود ندارد. با این حال، هیچ‌گونه مستندات رسمی، پیش‌نویس اجرایی یا پیوست کارشناسی نیز در اختیار نمایندگان دانشجویان قرار نگرفت.

تجمع دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی

روز شنبه ۶ تیر، جمعی از دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکترای دانشگاه آزاد اسلامی در تهران با برگزاری تجمع اعتراضی مقابل ساختمان مرکزی این دانشگاه، نسبت به تصمیم این دانشگاه برای حضوری برگزار شدن امتحانات اعتراض کردند. دانشجویان شعار می‌دادند: «دانشجو داد بزن حق تو فریاد بزن / نگاه پشت شیشه جواب ما نمیشه / تا وقتی آرامش نیست امتحان حضوری نیست»

تجمع اعضای هیأت علمی دانشگاههای یاسوج



دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۲

روز دوشنبه ۸ تیر ۱۴۰۵، جمعی از دانشجویان کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان، در اعتراض به رأی وزارت علوم مبنی بر تبرئه جمال محمدی، یکی از اساتیدی که به آزار دانشجویان دختر متهم شده بود دست به تجمع اعتراضی زدند. دانشجویان پلاکارد به دست گرفتند، شعار دادند و از درِ دانشکدهٔ علوم اجتماعی تا ساختمان مرکزی دانشگاه راهپیمایی کردند.

پیشینه این اعتراض، به سال گذشته برمی‌گردد زمانی که یکی از دانشجویان کارشناسی ارشد، به یکی از استادان گروه مراجعه کرد و گفت که جمال محمدی در دفتر خود به او تعرض جنسی کرده است. در نتیجه زانی دیگر هم جلو آمدند و در نهایت ۱۷ نفر علیه استاد مربوطه «جمال محمدی» به دانشگاه گزارش دادند و در پرونده‌ای ۳۰۰ صفحه‌ای، روایات خود را از تعرض و آزار جنسی این استاد مستند کردند.

تجمع اعتراضی کارمندان دانشگاه‌های کشور در تهران

جمعی از کارمندان دانشگاه‌های مختلف ایران، روز دوشنبه ۸ تیرماه، مقابل سازمان اداری و استخدامی کشور در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند.

تبدیل وضعیت کارمندان قراردادی به پیمانی و کارمندان واجد شرایط به هیات علمی، امکان ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی، بهره‌مندی از تسهیلات و امکانات رفاهی، احتساب سوابق کار، ساماندهی بیمه تکمیلی و فوق‌العاده ویژه، از جمله مطالبات اصلی این کارمندان دانشگاه‌ها عنوان شده است.

تداوم سرکوب در دانشگاه خواجه‌نصیر



تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه کردستان در سنندج

روز دوشنبه ۸ تیر ماه، جمعی از دانشجویان کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان در سنندج، در اعتراض به رأی وزارت علوم مبنی بر تبرئه یکی از اساتید که به آزار دانشجویان دختر متهم شده بود، دست به تجمع اعتراضی زدند.

منابع دانشجویی در این خصوص نوشتند که این دانشجویان، پلاکارد به دست گرفتند، شعار دادند و از درِ دانشکدهٔ علوم اجتماعی تا ساختمان مرکزی دانشگاه راهپیمایی کردند.

پیشینه این اعتراض، به سال گذشته برمی‌گردد؛ زمانی که یکی از دانشجویان کارشناسی ارشد، به یکی از استادان گروه مراجعه کرده بود و گفت که استاد یاد شده در دفتر خود، این دانشجو را مورد تعرض جنسی قرار داده است. در نتیجه زانی دیگر هم جلو آمدند و در نهایت ۱۷ نفر علیه استاد مربوطه به دانشگاه گزارش دادند و در پرونده‌ای ۳۰۰ صفحه‌ای، روایات خود را از تعرض و آزار جنسی این استاد مستند کردند.

اعتراض دانشجویان به تبرئه استاد دانشگاه سنندج



روز پنجشنبه ۱۱ تیر ۱۴۰۵، احکام محرومیت از تحصیل سه دانشجو در کمیته تجدیدنظر عیناً تأیید شده است.

علی رضا جعفری آثار، دانشجوی ورودی ۱۴۰۰ کارشناسی فیزیک، سیدمحمد سیدعبودی، دانشجوی ورودی ۱۴۰۱ کارشناسی مهندسی برق و حسین محمدی، دانشجوی ورودی ۱۴۰۱ کارشناسی ریاضی با حکم دو ترم محرومیت از تحصیل روبه‌رو هستند.

این احکام در حالی توسط کمیته تجدیدنظر شورای انضباطی (به ریاست رئیس دانشگاه) به تأیید رسید که پیش‌تر روند غیرقانونی کمیته بدوی و پرونده‌سازی علیه دانشجویان آشکار شده بود.

دو سال و نیم حبس برای دانشجوی کارشناسی ارشد



روز دوشنبه ۱۵ تیر ۱۴۰۵، راحله معینی، دانش‌آموخته مهندسی پزشکی دانشگاه امیرکبیر و دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پلی‌تکنیک میلان ایتالیا که پیش‌تر در دیماه ۱۴۰۴ بازداشت شده بود، به ۲ سال و نیم حبس و ۲ سال ممنوعیت سفر به خارج کشور محکوم شد.

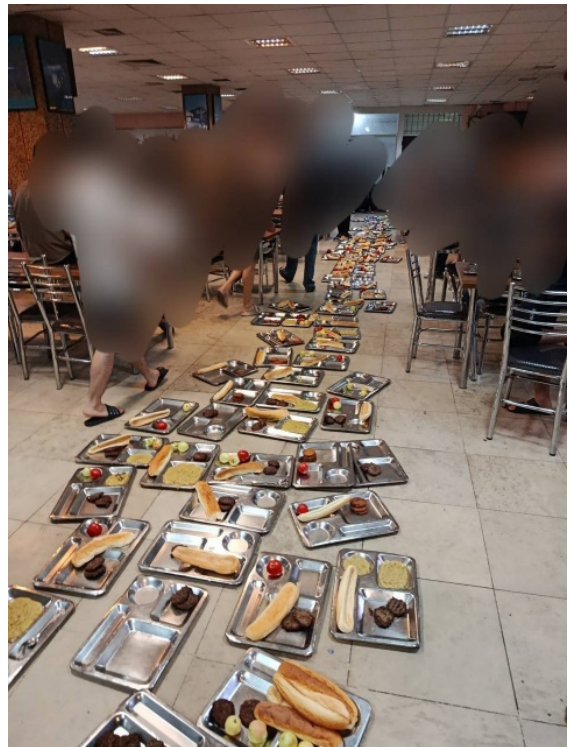
دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۳

ادامه اعتراضات دانشجویان دانشگاه آزاد

روز سه شنبه ۱۶ تیر، در ادامه اعتراض دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد کشور نسبت به حضوری شدن امتحانات جمعی از دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد یاسوج، دست به تجمع در استانداری کهگیلویه و بویراحمد، زدند.

اعتراض دانشجویان به وضعیت تغذیه خوابگاه



روز شنبه ۲۰ تیر ۱۴۰۵، دانشجویان ساکن خوابگاه دستگیر دانشگاه علوم پزشکی شیراز دست به اعتراض زدند. خواست دانشجویان شامل بهبود وضعیت خدمات رفاهی خوابگاه و رسیدگی فوری به وضعیت تغذیه است.

مطالبات صنفی دانشجویان مدتهاست بی پاسخ مانده است؛ تشکلهای و شوراهای صنفی دانشجویی نیز در بسیاری از دانشگاه از بین برده شده یا حکم مقامی تشریفاتی را دارند. راهکار ایجاد تشکلهای سیاسی دانشجویی مستقل از حکومت با حفظ امنیت است.

«دانشگاه به طور مستقیم در افشای اطلاعات دانشجویان دخیل است»

روزنامه شرق در روز دوشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۵، با انتشار گزارشی نسبت به روند افشای اطلاعات خصوصی دانشجویان در کانالهایی مانند «آخوان المخبرین»، «کفتاریاب»، «زامبیاب» و «داعشجو» هشدار داده است. اینها تنها نام برخی کانالها در تلگرام است که در هفتهها و ماههای اخیر اقدام به انتشار اطلاعات شخصی دانشجویان از جمله شماره تماس منزل، پدر و مادر و آدرس محل زندگی کردهاند.

پس از انتشار این اطلاعات خصوصی که تنها در فرمهای رسمی دانشگاه وجود دارد، دانشجویان با سلی از پیامها و تماسهای تهدیدآمیز مواجه شدهاند و در برخی موارد تهدید به قتل شدهاند!

حسین، دانشجوی دانشگاه بهشتی، به شرق میگوید: «تعداد زیادی پیام دریافت کردم که در آنها به من فحاشی کردهاند یا گفتهاند پا در دانشگاه بگذاری می کشیم».

اعتراض دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز

روزیکشنبه ۲۱ تیر، دانشجویان ساکن خوابگاه دستگیر دانشگاه علوم پزشکی شیراز برای اعتراض به کیفیت پایین و نامناسب غذا با به صف کردن سینی های غذایی از تحویل از خوردنش خودداری کردند.

تداوم بازداشت امیرحسین باقری علویچه پس از ۴۰ روز

امیرحسین باقری علویچه، دانشجوی ارشد روان شناسی دانشگاه اراک و عضو سابق شورای صنفی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران که از روز دوشنبه ۱۱ خرداد بازداشت شده بود، همچنان در بازداشت به سر می برد. با وجود گذشت ۴۰ روز از بازداشت وی همچنان خبری از وضعیت پرونده او وجود ندارد و کیفرخواست برای او صادر نشده است.

تجمع کارمندان دانشگاههای استانی مختلف در تهران

روز دوشنبه ۲۲ تیر، کارمندان شاغل در تعدادی از دانشگاههای سراسر کشور در اعتراض به وضعیت شغلی خود و مشکلات دستمزد مقابل سازمان برنامه و بودجه کشور تجمع کردند. در بخشهایی از بیانیه اعتراضی تجمع کنندگان آمده است: جمع حاضر جدای از مشکلات عمیق معیشتی، اقتصادی، ناجیز بودن دستمزد، تورم سه رقمی، ضعف مدیریتی وزارت و دانشگاهها و بی توجهی مسئولان امر به قشر کثیری در دانشگاهها، به تبعیض، بی عدالتی و تعارض منافع تصمیم گیرندگان و مدیران دانشگاهی از سالهای دور و خصوصا در این برهه دشوار و حساس کشور اعتراض دارند. این معترضان همچنین اعلام کردند از مسئولان انتظار توجه بیشتر و پاسخگویی مسئولانه تر و نیز تجدیدنظر در تصمیمات دارند.

تجمع اساتید اخراج شده دانشگاه فرهنگیان و تعدادی از کارمندان

دانشگاههای سراسر کشور

روز دوشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۵، شماری از اساتید اخراج شده دانشگاه فرهنگیان مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش در تهران دست به تجمع زدند. به گفته این اساتید که به اجبار بازنشسته شده اند، با وجود تأکید کمیسیونها و مقامات مختلف مجلس و دولت مبنی بر غیرقانونی بودن اخراج آنان، وزارت آموزش و پرورش تاکنون اقدام مؤثری برای رسیدگی به وضعیت این افراد انجام نداده است. همزمان گروهی از کارمندان دانشگاههای سراسر کشور مقابل ساختمان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تهران تجمع کردند. این شهروندان خواستار رسیدگی مسئولان وزارت علوم به مشکلات شغلی و معیشتی خود هستند. در جریان این تجمع، کارمندان معترض با صدور بیانیه ای خطاب به وزیر علوم، افزایش «عدد مینا» و «ضریب مدرک تحصیلی» کارکنان، هم تراز با افزایش اعمال شده برای اعضای هیات علمی دانشگاهها را از جمله مطالبات خود عنوان کردند.

صدور حکم اخراج یک دانشجوی دانشگاه بهشتی

کمیته انضباطی دانشگاه بهشتی، به ریاست حاج جباری معاون دانشجویی، یک دانشجو را به اتهام ایجاد بلوا و آشوب در محیط دانشگاه در اسفندماه ۱۴۰۴، به اخراج محکوم کرد. خبرگزاریهای حکومتی مثل فارس و دانشجو، به دروغ عنوان کردند که این دانشجو به دلیل تخلفات انضباطی از جمله ایجاد آشوب و اخلاف در روند آموزشی، به اخراج محکوم شده که این مطلب کذب محض است.

دانشگاهها دانشجویان معترض را به اتهام شرکت در تجمعیهای اعتراضی سال گذشته و شعار علیه جمهوری اسلامی به محرومیت از تحصیل و اخراج محکوم می کنند، سپس به نحو بی شرمانه و به دروغ عنوان می کنند که این دانشجو در روند آموزشی دانشگاه اخلاف ایجاد کرده! آموزش را ترس حاکمیت از اعتراض مردم و دانشجویان تعطیل کرده!

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: تلگرام خبرنامه امیرکبیر، تلگرام دانشجویان پیشرو، تلگرام آموزشکده توانا، تلگرام دانشجویان متحد، پایگاه خبری کبنانیوز، دیده بان آزار، ایلنا، هرانا)

جنبش رنگین کمان بیشماران (تیر ۱۴۰۵)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

به سپاه پاسداران در شهر مهاباد قرار گرفت و پس از انتقال به بیمارستان، متأسفانه جانباخت را از دست داد. پس از انتشار این خبر جان باختن او، مردم در اطراف بیمارستان مهاباد تجمع کردند و علیه این حمله و به خطر افتادن امنیت جانی شهروندان اعتراض کردند. هم‌زمان، گزارش‌ها حاکی از آن است که فضای بیمارستان توسط نیروهای امنیتی و نظامی برای جلوگیری از گسترش اعتراضات، تحت کنترل و محاصره قرار گرفته است.

بر اساس گزارش هه‌نگاو، روز پنج‌شنبه ۱۱ تیر، مراسم تشییع و خاکسپاری پیکر سیاوش الک، با حضور گسترده مردم خشمگین مهاباد برگزار شد و حاضران پیکر وی را با شعار حماسی «شهید نمی‌میرد» تا آرامستان شهر بدرقه کردند. در همین روز اکثریت مغازه‌داران، بازاریان و کسبه در شهر مهاباد به نشانه اعتراض به این قتل حکومتی و تداوم رفتارهای خشونت‌آمیز نیروهای وابسته به سپاه و بسیج، دست به اعتصاب عمومی زده و از باز کردن محل کسب خود خودداری کردند.

دوشنبه ۱ تیر

*تجمع کارکنان شرکت برق منطقه ای خوزستان در اعتراض به شرایط کاری و سطح دستمزد.
معتراضان با اعتراض از وضعیت فعلی نظام پرداخت، خواستار جلوگیری از کاهش درصد انگیزه رفاهی در حقوق اردیبهشت و ترمیم شرایط نامطلوب حقوقی کارکنان شدند.
*تجمع اعتراضی کارکنان مرکز بهداشت اسلام‌آباد غرب، به گزارش هراتا، معترضان نسبت به وضعیت پرداخت‌ها در نظام بهداشت و درمان کشور انتقاد دارند و خواستار رسیدگی به مشکلات معیشتی، وضعیت حقوق دریافتی و مزایای شغلی خود هستند.

سه شنبه ۲ تیر

*برای سومین روز متوالی شماری از کارگران واحد ریسندگی شرکت سرچین بافت زنجان، مقابل ساختمانهای استانداری و اداره کار در این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایلنا، اعتراض این کارگران نسبت به عدم پرداخت سه ماه حقوق و حق بیمه و نیز بالاترین حدود ۳۵۰ کارگر در پی تعطیلی این کارخانه توسط کارفرما، صورت گرفته است. یکی از کارگران سرچین بافت در این خصوص گفت: از ابتدای سال جاری، سه ماه است که ما هیچ حقوقی دریافت نکرده‌ایم و حق بیمه ما نیز به حساب تأمین اجتماعی واریز نشده است. به دلیل همین مشکلات، روز یکشنبه کارگران شیفت عصر واحد ریسندگی دست به اعتراض زدند؛ اما کارفرما در واکنش به این اقدام، کل شرکت را تعطیل کرد و مدعی شد که توان مالی ندارد.

*کارگران گروه ماشین سازی تبریز از انجام کار دست کشیدند و اقدام به اعتصاب کردند. به گزارش ایلنا، این اقدام کارگران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و با هدف پیگیری حقوق قانونی آنها صورت گرفته است. کارگران معترض گفتند: حقوق اردیبهشت و خرداد حدود ۱۶۰۰ کارگر گروه ماشین‌سازی پرداخت نشده و این در حالی است که تورم و افزایش قیمت‌ها، زندگی کارگران را دشوار کرده است.

بقیه در صفحه ۱۶



مراسم خاکسپاری زنده یاد عارف خوشکار

صبح پنجشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۵ مراسم خاکسپاری زنده یاد عارف خوشکار در بهشت زهرا تهران، با حضور خانواده و شهروندان و در فضایی امنیتی برگزار شد.

عارف خوشکار از بازداشت‌شدگان اعتراضات ۱۴۰۱ بود که به همراه برادرش عرفان خوشکار بازداشت شد. او در پرونده‌ای که همواره درباره روند رسیدگی و اعترافات آن پرسش‌ها و انتقادهای حقوق بشری مطرح بود، به اتهام قتل سلمان امیراحمدی محکوم شد. عارف بارها اعلام کرده بود که اعترافات اولیه‌اش تحت فشار و شکنجه اخذ شده و اتهامات را رد می‌کرد.

کنشگران حقوق بشر ایران ضمن ابراز همدردی و تسلیت به خانواده و نزدیکان عارف خوشکار، اجرای حکم اعدام و هرگونه شکنجه و نقض حقوق متهمان را محکوم کرده و خواستار رعایت دادرسی عادلانه و پاسخگویی درباره ادعاهای مطرح‌شده در این پرونده هستند.

خشم و خروش مردم مهاباد در اعتراض به قتل سیاوش لک



روز چهارشنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۵، زنده یاد سیاوش لک به دلیل پوشیدن لباس خاکی رنگ (شبیه پوشش پیشمرگان حزب دموکرات کردستان ایران) مورد حمله یک فرد مزدور و وابسته

در ماهی که گذشت شرایط زندگی و معیشت اکثریت شهروندان مرزهای فلاکت را درنوردید و سیمای زشت فقر و فلاکت هرچه بیشتر به طور روزمره در زندگی شهروندان جولان می‌داد. فاصله درآمد و هزینه کارورزان و اختلاف فاحش طبقاتی هرچه افزون تر حیات و معیشت اکثریت شهروندان را تهدید می‌کرد. حمید پورمحمد گل سفیدی، سرکرده سازمان بودجه و برنامه روز شنبه ۲۰ تیر ۱۴۰۵، در شبکه یک سیمای حکومتی اعلام کرد: «بر اساس محاسبات انجام شده، حداقل هزینه زندگی یک خانوار ۴ نفره در اردیبهشت ۱۴۰۵ ماهانه حدود ۱۶۳ میلیون تومان است؛ این رقم برای هر نفر حدود ۴۱ میلیون تومان برآورد می‌شود.» مقایسه این میزان هزینه با حداقل دستمزد ابعاد فاجعه را هرچه بیشتر برجسته می‌کند. رسانه حکومتی جهان اقتصاد در شماره روز یکشنبه ۷ تیر ۱۴۰۵، تورم سالانه را ۶۶ درصد و نقطه به نقطه را ۸۸۶ درصد اعلام کرد و به فشار فراگیر بر معیشت مردم مهر تأیید زد.

بدین ترتیب شهروندان هر روز درآمد کمتر خواهند داشت. این را می‌توان از ارزش واقعی میزانی از پول رایج طی سالهای گذشته که در تصویر نشان داده شده، درک کرد.



نیروهای کار در واکنش به شرایط فاجعه بار کنونی و فلاکتی که با آن درگیر هستند دستکم ۱۲۶ روز حرکت اعتراضی در ماه تیر انجام دادند. حرکت‌های اعتراضی معلمان و دانشجویان در همین شماره ماهانه نبرد خلق پوشش داده می‌شود. در ماه تیر شاهد کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام زندانیان سیاسی و هم‌زمان تجمع خانواده‌های محکوم به اعدام بودیم. خلاصه شده حرکت‌های اعتراضی نیروهای کار و کُنش‌های توده‌ای در گوشه و کنار کشور را در مجموعه زیر می‌خوانید.

روشنک شفقی پرستاری که در راه انجام وظیفه شهید شد

روشنک شفقی پرستار بود و در شهر سلمان در استان گیلان و بیمارستان میلاد لاهیجان کار می‌کرد. او به زخمی‌ها بعد ۱۸ و ۱۹ دی ماه سال پیش کمک کرد ولی ماموران رفتند تو بیمارستان و همان جا او را کشتند.

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۱۵

*شماری از کارگران کارخانه ریسندگی خاور رشت در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، به گفته کارگران معترض، با گذشت نزدیک به سه سال از واگذاری این شرکت به بخش خصوصی، مشکلات ساختاری و مدیریتی کارخانه به دلیل سوءمدیریت و بی‌توجهی کارفرما همچنان پابرجاست. این موضوع موجب شد تا کارگران در اعتراض به ناامنی شغلی و معوقات مزدی دست به تجمع بزنند.



پنجشنبه ۴ تیر

*شماری از کارگران شاغل در پروژه پل خورشیدی در شهرستان زاهدان، دست به اعتصاب زدند و با تحصن در محدوده محل کار خود خواستار رسیدگی به مطالبات شان شدند. به گزارش حال وش، کارگران معترض در این پروژه مشغول به کار بوده‌اند، اما تاکنون حقوق و مطالبات آنان به طور کامل پرداخت نشده است.

شنبه ۶ تیر

*جمعی از رانندگان استیجاری، با برگزاری تجمع اعتراضی مقابل نهاد ریاست جمهوری در تهران، خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. به گزارش ایلنا، رانندگان معترض که سابقه حضور در جنگ ایران و عراق را دارند اظهار داشتند: ما جاماندگان طرح تبدیل وضعیت ایتارگران ۱۴۰۰ هستیم که تا امروز باوجود وعده‌های بسیار، هنوز تبدیل وضعیت نشده ایم. این در حالی است که براساس قانون بودجه ۱۴۰۰ قرار بود نیروهای ایتارگر تمام نهاده‌ها تا پایان همان سال تبدیل وضعیت شوند. تعداد این رانندگان استیجاری حدود ۳۵۰ نفر است.

*جمعی از مشتریان تیگارد موتوربرای اعتراض به طرح تبدیل X35 به تیسان مقابل ساختمان شرکت تجمع کردند. این شرکت با استناد به شرایط ناشی از جنگ و بند فورس مازور، اعلام کرد امکان ایفای تعهدات مربوط به خودروی X35 Plus را ندارد و خریداران باید به جای این خودرو، تیسان S05 را تحویل بگیرند. البته این تغییر برای مشتریان بدون هزینه نیست و آنها باید بیش از یک میلیارد تومان مابه التفاوت پرداخت کنند.

یکشنبه ۷ تیر

*جمعی از مال باختگان شرکت ایلپا خودرو برای اعتراض مقابل سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان درتهران تجمع کردند.

دوشنبه ۸ تیر

*جمعی از کشاورزان گرمسار تجمع اعتراضی برگزار کردند. کشاورزان معترض دلایل برگزاری این تجمع را عدم تخصیص حقابه حبله‌رود و در پی آن خشک شدن اراضی و محصولات خود عنوان کردند. طی روزهای گذشته نیز این کشاورزان در اعتراض به خشک شدن رودخانه حبله‌رود و از بین رفتن محصولاتشان در این شهر دست به تجمع زده بودند. این موضوع خسارات فراوانی را به این کشاورزان وارد کرده است.

*شماری از کارکنان مراکز بهداشت تبریز با تجمع مقابل دانشگاه علوم پزشکی این شهر و گروهی از پرستاران و کادر درمان مقابل ساختمان سازمان اداری و استخدامی کشور در تهران، دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران، پرستاران از بی‌توجهی به خواسته‌های صنفی خود انتقاد دارند و خواستار بهبود وضع معیشت، اجرای دقیق قوانین شغلی و اصلاح تعرفه‌های پرستاری هستند. کارکنان مراکز بهداشت تبریز نیز نسبت به تبعیض در پرداخت حقوق و عدم دریافت برخی از مزایای شغلی خود اعتراض کرده و خواستار رسیدگی به وضعیتشان شدند.

*شماری از مدیران شرکتهای واردکننده خودروهای خارجی منطقه آزاد مازندران مقابل ساختمان مرکزی این شرکت در ساری تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش عصر دنا، این شهروندان معترض خواستار ترخیص فوری خودروهای معلق خود شدند. این اعتراض همزمان با افزایش نارضایتی خریداران و نیاز به پاسخگویی مسئولان به وقوع پیوسته است.

سه شنبه ۹ تیر

*تجمع جمعی از کارگران کارخانه پتروشیمی کرمانشاه زیر مجموعه گروه گسترش نفت و گاز پارسیان، هلدینگ سرمایه گذاری غدیر واقع در کیلومتر چهار جاده هرسین در اعتراض به تبعیض در پرداختها و حقوقهای نجومی مدیران ارشد.

شنبه ۱۳ تیر

*جمعی کارگران معدن مس درخشان تخت گنبد سیرجان برای اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق دست‌آزارکشیدند و دراین مجموعه واقع دربخش بلورد، شهرستان سیرجان، استان کرمان تجمع کردند. به گزارش حال وش، با وجود گذشت چند ماه، هنوز مطالبات مزه دی و حقوق معوقه آنان پرداخت نشده و این موضوع فشار اقتصادی زیادی بر خانواده‌هایشان وارد کرده است. آنها افزودند: کارگران با وجود حضور در محل کار، فعالیت کاری خود را متوقف کرده و خواستار رسیدگی مسئولان و پرداخت فوری معوقات خود شده‌اند.

یکشنبه ۱۴ تیر

*کارگران کارخانه ایران برک رشت برای ششمین روز پیاپی مقابل این کارخانه در اعتراض به رویه مدیریتی، بالاتکلیفی شغلی و عدم پرداخت معوقات مزدی و بیمه‌ای خود دست اعتراض و تجمع زدند. به گزارش ایلنا، به گفته کارگران معترض، در پیگیریهایی شش روز گذشته، پاسخ مناسبی برای حل بحران معیشتی و شغلی آنها ارائه نشده است. آنها با اشاره به تداوم بالاتکلیفی خود تاکید دارند: «مدام به ما وعده بازگشت به کار و حل مشکلات را می‌دهند، اما این حرف‌ها

در حد شعار باقی مانده و در عمل هیچ اراده‌ای برای پرداخت معوقات یا تعیین تکلیف وضعیت شغلی ما وجود ندارد.»

*شماری از کارگران اخراجی شهرداری در شهرستان ایرانشهر در اعتراض به اخراج خود از محل کار دست به تجمع اعتراضی زده و خواستار بازگشت به کار شدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، شماری از کارگران اخراجی شهرداری در شهرستان ایرانشهر دست به تجمع زدند. پیشتر دستکم ۳۲ تن از کارگران مذکور با دریافت نامه «پایان کار» توسط کارفرما از محل کارشان اخراج شده بودند. همچنین، اخراج این کارگران با فشار حراست شهرداری و اداره اطلاعات ایرانشهر صورت گرفته است و به دلیل مشکلات مالی نبوده است.

سه شنبه ۱۶ تیر

*کارگران روزمزد پالایشگاه فاز ۲ بید بلند بهبهان ۴۰ روز است که در اعتراض به اخراج خود از کار مقابل پالایشگاه تجمع کرده‌اند. به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، کارگران به دنبال بیش از ۵ سال کار با بیمه ناقص، حقوق پایین و بدون عیدی و سنوات، پس از شروع جنگ یکجا اخراج شدند. به این کارگران وعده استخدام رسمی داده شده بود، اما اقدامی نشد و به جای آنها از خودپهای شان استخدام کرده‌اند.

*حدود پنجاه نفر از کادر درمان بیمارستان توحید سنجند برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و تبعیض در پرداختها دست به تجمع زدند و خواستار تعیین تکلیف مطالبات معوق و پایان دادن به آنچه تبعیض در پرداختها عنوان می‌کنند، شدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، حدود ۹ ماه است که تعرفه‌های خدمات درمانی آنان پرداخت نشده و این در حالی است که مسئولان بارها از افزایش ۵۷ درصدی تعرفه‌ها در سال جاری سخن گفته‌اند.

پنجشنبه ۱۸ تیر

*کارگران داربست بند کارخانه فولاد ابرکو در استان یزد برای اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق و شرایط ناامن کاری، دست به اعتصاب زدند.

*کارگران شرکت لوله‌سازی اهواز، در اعتراض به قطع بیمه تأمین اجتماعی و بیمه‌ی تکمیلی، با توقف کار در محل کارخانه تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این دومین بار در سال جاری است که کارگران این واحد تولیدی با قطع پوشش بیمه‌ای و توقف فعالیت کارخانه روبه‌رو می‌شوند. آنان پیش از این نیز در آغاز سال حدود دو ماه بدون برخورداری از بیمه و امکان کار، خانه‌نشین شده بودند.

شنبه ۲۰ تیر

*جمعی از حواله‌داران شرکت خودروسازی سایپا در اعتراض به تأخیر در تحویل خودروهای خود، مقابل امور مشتریان این شرکت در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند.

*شماری از بیماران خودایمنی، مقابل ورودی ساختمان وزارت بهداشت در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش تابناک، معترضان به افزایش نرخ داروی ریمیکید و فقدان پاسخگویی مناسب در این باره اعتراض دارند. آنها درباره دعوت مسئولان به استفاده از داروی تولید داخلی، می‌گویند که چرا باید مجبور به مصرف نمونه داخلی باشند که هنوز مطالعات علمی آن کامل نشده و مصرف آن برای اغلب بیماران با عوارض همراه بوده است.

بقیه در صفحه ۱۷

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۱۶

آنان در اقدامی اعتراضی در ورودی این وزارتخانه را برای ساعتی مسدود کردند و نیز در خیابان به اعتراض خود ادامه دادند.

*تعدادی از حواله‌داران و مشتریان سایپا با حضور مقابل ساختمان امور مشتریان این شرکت در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش فارس، این شهروندان نسبت به عدم صدور فاکتور، عدم امکان تکمیل وجه و تأخیر در تعیین تکلیف خودروهای شاهین، اطلس، ساین و سپند معترض هستند. به گفته معترضین، ماه‌ها انتظار برای تحویل خودرو، نبود اطلاع‌رسانی دقیق و عمل نشدن به تعهدات، موجب نارضایتی آن‌ها شده است.

*جمعی از کشاورزان قزوین برای اعتراض به کاهش حبابه کشاورزی دشت قزوین و دادن سهمیه آب به تهران دست به تجمع مقابل استانداری زدند. به گزارش نقطه تسلیم، یکی از کشاورزان حاضر در این تجمع گفت: مسئولان می‌خواهند مبادا در طبقه بیستم یک برج در خیابان تهران فشار آب کم شده و یک تهرانی ناراحت شود، اما وضعیت کشاورزان قزوین برایشان مهم نیست، به ما گفتند پاییزه نکارید، ما نکاشتیم، اما آیا این کشاورزان در پاییز هیچ هزینه‌ای نداشتند؟ وی ادامه داد: مشکل اساسی ما این است که سهم آب ما را بردند تهران، دشت قزوین در حال نابودی است و زندگی ۳۰ هزار خانوار در خطر نابودی قرار دارد، امسال یک بار آب را باز کردند، اما فقط همین یک مرتبه باز شد.

وی افزود: ما برای کشت گندم حدود ۱۵۰ میلیون متر مکعب سهمیه آب داشتیم که تاکنون از این مقدار تنها ۱۵ میلیون متر مکعب آب تخصیص داده شده و آن هم وقتی این آب را باز کردند که مزارع ما با آب باران آبیاری و سبز شده بود.

یکشنبه ۲۱ تیر

*کارگران بخش نگهداری خط و ابنیه فنی راه‌آهن ناحیه کرج برای دومین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق و حق بیمه و وعده‌های توخالی مسئولان دست از کار کشیدند و تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران پس از گفتگو با مسئولان استانی و نمایندگان راه‌آهن و دریافت وعده‌هایی مبنی بر تسویه بخشی از مطالبات تا پایان مهلت تعیین‌شده، فعلاً به اعتراضات خود پایان دادند.



*جمعی از مالکان شهرک دانشوران تبریز برای اعتراض به بالاترین ۳۰ ساله در شورای فرمایشی این شهر تجمع کردند. به گزارش ایسنا، در پی این تجمع رئیس شورای شهر با اشاره به آخرین روند رسیدگی به پرونده این زمینها گفت: این پرونده به دلیل پیچیدگیهای فنی، حقوقی و مالی در حال بررسی کارشناسی است و شورا و شهرداری با هدف تعیین تکلیف مطالبات مالکان، پیگیریهای لازم را از مسیر قانونی دنبال می‌کنند.

*پرستاران یزد در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و بی توجهی به شرایط معیشتی و شغلی پرستاران دست به تجمع زدند. به گزارش شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران شعار می‌دادند: «پرستار داد بزن، حقوق فریاد بزن! / وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه! / پرستار نباشه، سیستم از هم می‌پاشه! / جنگ افروزی کافیه، سفره ما خالیه! / تورم دلاری، حقوق ما ریالی!...»



خروش جوانان جویای کار در هویزه

*شماری از جوانان جویای کار هویزه، مقابل فرمانداری این شهر برای نهمین روز متوالی دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش هرانا، جوانان معترض مطالبه خود را عدم استفاده نیروی غیربومی در شرکت‌های این شهر از جمله شرکت‌های نفتی و استفاده از جوانان بومی عنوان کرده‌اند.

*گروهی از کارگران پیمانکاری معدن طرزه برای دومین روز متوالی دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، این تجمع نسبت به معوقات مزدی و بیمه‌ای آنها صورت گرفته است.

کارگران معترض با اشاره به اینکه در سالهای گذشته تحت مسئولیت شرکت‌های پیمانکاری متعددی فعالیت داشته‌اند، اعلام کردند که بخشی از مطالبات معوقه آنها در زمان خروج این پیمانکاران بالاترین مانده است. آن‌ها از شرکت ذغال سنگ البرز شرقی به عنوان کارفرمای مادر درخواست دارند مسئولیت نظارت و احقاق حقوق کارگران را در قبال پیمانکاران قبلی بر عهده بگیرد.

دوشنبه ۲۲ تیر

*شماری از پرستاران و کارکنان کادر درمان مقابل ساختمان دانشگاه علوم پزشکی شیراز دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران، معترضان نسبت به عدم پرداخت معوقات مزدی خود و نحوه تعیین دستمزدها اعتراض دارند.

همزمان، جمعی از کارکنان مراکز خدمات جامع سلامت شهری و روستایی دانشگاه علوم پزشکی نیشابور، با تجمع مقابل ستاد مرکزی این دانشگاه، نسبت به برآورده نشدن مطالبات صنفی کارکنان حوزه بهداشت و نحوه پرداخت حقوق و مزایای خود، اعتراض کردند.

در همین روز پرستاران یزد نسبت به عدم پرداخت مطالبات و بی توجهی به شرایط معیشتی و شغلی دست به تجمع زدند. *کارگران مجتمع صنایع پتروشیمی پتروآرمند لردگان با تجمع مقابل فرمانداری شهرستان فلاارد، خواستار پرداخت

مطالبات، تعیین تکلیف وضعیت کارخانه و اجرای تعهدات شدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، در حالی که وعده‌های مالی برای رسیدگی به این مجموعه مطرح شده، کارگران همچنان با مشکلات معیشتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و حدود سه ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند.

شرکت پتروآرمند لردگان نزدیک به دو سال است که در وضعیت تعطیلی و بالاترین کیفی قرار دارد؛ کارخانه‌ای که قرار بود با وعده تخصیص ۵.۵ همت اعتبار دوباره به چرخه تولید بازگردد.

*گروهی از کارگران پیمانکاری معدن طرزه برای سومین روز متوالی دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران معترض با اشاره به اینکه در سال‌های گذشته تحت مسئولیت شرکت‌های پیمانکاری متعددی فعالیت داشته‌اند، اعلام کردند که بخشی از مطالبات معوقه آن‌ها در زمان خروج این پیمانکاران بالاترین مانده است.

سه شنبه ۲۳ تیر

*جمعی از رانندگان و متقاضیان خرید کامیون که از مالبختگان پرونده شرکت‌های واردکننده کامیون در تبریز هستند، برای سومین روز متوالی با برگزاری تجمع اعتراضی مقابل ساختمان مجتمع قضایی تهران، خواستار تسریع در روند رسیدگی به این پرونده و تعیین تکلیف سرمایه‌های خود شدند. به گزارش هرانا، به گفته این شهروندان، با وجود گذشت ماه‌ها از تشکیل پرونده مربوط به شرکت‌های «اعیان تجارت»، «مارال تجارت» و «ممتازان»، همچنان بخش قابل توجهی از سرمایه‌های آنان بالاترین مانده است.

*به گزارش گروه اتحاد بازنشستگان، جمعی از خریداران خودروی لاماری ایما با برگزاری تجمعی اعتراضی مقابل دادستانی و دفتر شرکت آراین پارس موتور در خیابان نخ زرین، خواستار رسیدگی به مطالبات و پاسخگویی مسئولان این شرکت شدند.

*کارکنان و کارگران کارخانه‌ها و ماشین‌آلات کرج در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات معوق خود دست به تجمع و اعتصاب زدند.

*تجمع جمعی از شهروندان یزد در اعتراض به مطالبات معوق یک شرکت اقتصادی مقابل استانداری یزد.

*جمعی از نانوایان در کرج دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش هرانا، نانوایان با تجمع مقابل استانداری البرز، نسبت به عدم رسیدگی به مطالبات خود و نحوه تعیین نرخ‌های جدید اعتراض کردند.

چهارشنبه ۲۴ تیر

*شماری از کارگران شرکت چوب و کاغذ ایران (چوکا) در گیلان، با برگزاری تجمع اعتراضی در محل کارشان، خواهان رسیدگی به مشکلات شغلی و معیشتی خود شدند. به گزارش ایلنا، تجمع کارگران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه، حذف اضافه‌کاری، پرداخت ناقص بخشی از حقوق سال جدید و محقق نشدن وعده‌های پیشین مسئولان جهت رفع مشکلات آنها صورت گرفته است.

*تجمع اعتراضی رانندگان تاکسی در تهران با دخالت نیروهای امنیتی به خشونت کشیده شد. بر اساس گزارش اتحادیه هماهنگ‌کننده رانندگان سراسر کشور، نیروهای امنیتی برای متفرق کردن رانندگان معترض در محدوده خیابان ولیعصر از گاز اشک‌آور و باتون استفاده کردند. بنابر

بقیه در صفحه ۱۸

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۱۷

گزارشها یکی از رانندگان پس از شلیک گاز اشک‌آور بی‌حال شد. این تجمع در اعتراض به شرایط سخت معیشتی، هزینه‌های سنگین کار، فشارهای اقتصادی و بی‌توجهی مسئولان به مطالبات رانندگان شکل گرفت.

شنبه ۲۷ تیر

*تجمع کارگران کارخانه چوکا (شرکت چوب و کاغذ ایران) برای اعتراض به اخراج ۲۵ همکار و تهدید کارگران توسط مدیرعامل، عدم پرداخت به موقع حقوق، قطع اضافه کاری و نداشتن امنیت شغلی. این واحد تولیدی واقع در شهرستان رضوانشهر در استان گیلان است.

*شماری از خریداران شرکت کرمان موتور مقابل دفتر مرکزی این شرکت در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. این تجمع در اعتراض به تأخیر در تحویل خودرو، افزایش قیمت خارج از تعهدات قراردادی، عدم اجرای مصوبه ۴۷۳ شورای رقابت و بی‌توجهی به حقوق مصرف کنندگان صورت گرفته است.

یکشنبه ۲۸ تیر

*تعدادی از متقاضیان پروژه مسکن بنیاد بتن در یزد دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این تجمع در اعتراض به تحویل نشدن واحدهای مسکونی و ادامه بالاترکلیفی این شهروندان صورت گرفته است.

*اعتصاب و تجمع کارگران ریختگری ماشین سازی تبریز در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق در محل کارخانه واقع در قراملک تبریز.

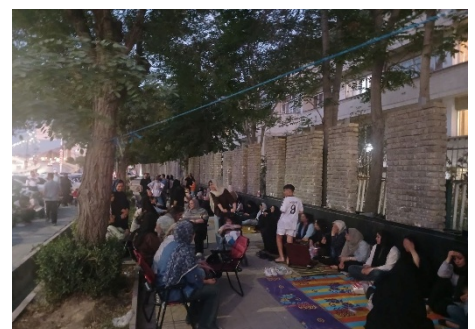
دوشنبه ۲۹ تیر

*گروهی از کارکنان هوانیروز ارتش، مقابل ساختمان استانداری کرمانشاه تجمع اعتراضی برگزار کردند. معترضان با اشاره به اجرایی نشدن پروژه ساخت واحدهای مسکونی با گذشت ۱۵ سال از خرید زمین و تشکیل تعاونی مسکن هوانیروز، خواستار پاسخگویی مسئولان شدند.

سه شنبه ۳۰ تیر

*کارگران شرکت پویا نخ مقابل استانداری ایلام دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش تابناک، این کارگران بیش از یک سال است که بیکار شده‌اند و در پی مشکلات معیشتی خواستار رسیدگی به وضعیت شغلی خود هستند.

چهارشنبه ۳۱ تیر



*جمعی از متقاضیان مسکن ملی ۸۱۱۲ واحدی شهر اراک مقابل اداره کل راه و شهرسازی استان مرکزی با در دست داشتن

پلاکاردهایی برای پنجمین روز متوالی دست به تجمع زدند. به گزارش هرا، تجمع‌کنندگان خواستار تعیین شفاف قیمت تمام‌شده واحدها بر اساس هزینه‌های واقعی ساخت و انتشار جزئیات محاسبات و مبانی قیمت‌گذاری شدند. آنها همچنین بر لزوم اطلاع‌رسانی دقیق درباره روند قیمت‌گذاری و هزینه‌های اجرای پروژه تأکید کردند.

*حواله داران ایران خودرو برای اعتراض به افزایش قیمت‌ها مقابل ساختمان شورای رقابت در تهران تجمع کردند و خواستار اجرای مصوبه ۴۷۳ شورای رقابت در قراردادهای مشارکت در تولید شدند.

کنش سراسری بازنشستگان

«فقط کف خیابان بدست میاد حق مان!»



دوشنبه ۱ تیر: گروهی از بازنشستگان مخابرات در شهرهای تهران و سمنند دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش شورای بازنشستگان ایران، این تجمعها مقابل ساختمان‌های اداره مخابرات در شهرهای مذکور صورت گرفته است. تجمع کارگران بازنشسته مخابرات مقابل ساختمان مرکزی شرکت مخابرات در شهر سمنند، در ساختمان بازنشستگی در شهر اهواز و مقابل ساختمان شرکت مخابرات ایران در تهران.

یکشنبه ۷ تیر: گروهی از بازنشستگان صندوق بازنشستگی فولاد اصفهان مقابل ساختمان استانداری این شهر، دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش اینلا، اجرای همسانسازی، حذف سقف حقوق، عدم ادغام صندوق بازنشستگی صنایع فولاد در صندوق بازنشستگی کشوری و حل مشکلات مربوط به خدمات درمانی، از جمله مطالبات بازنشستگان معترض به شمار می‌آید. تجمع گروهی از بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای شوش، رشت، مشهد، اهواز، کرمانشاه، دزفول و تهران. به گزارش شورای بازنشستگان ایران، بازنشستگان معترض در این تجمعات که مقابل ساختمان‌های ادارات تأمین اجتماعی برگزار شدند، خواستار اجرای کامل ماده ۵۴ قانون تأمین اجتماعی، حذف بیمه تکمیلی و اجرای ماده ۸۹، رسیدگی به مشکلات درمانی و معیشتی خود شدند.

دوشنبه ۸ تیر: تجمع بازنشستگان مخابرات در شهرهای اصفهان، تهران، رشت، سمنند، کرمانشاه و سمنند.

یکشنبه ۱۷ اسفند: تجمع کارگران بازنشسته شوش و هفت تپه روبروی سازمان تأمین اجتماعی.

شنبه ۲۰ تیر: تجمع بازنشستگان مخابرات مقابل استانداری اصفهان. این تجمع در اعتراض به مدیران غارتگر مخابرات، ستاد اجرایی فرمان و کنسرسیوم اعتماد مبین (وابسته به سپاه) برگزار شد. بازنشستگان فولاد هم‌زمان با بازنشستگان مخابرات، مقابل استانداری اصفهان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

یکشنبه ۲۱ تیر: تجمع بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای تهران، اهواز، رشت، دزفول، شوش و کرمانشاه مقابل اداره کل کار.

دوشنبه ۲۲ تیر: شماری از بازنشستگان مخابرات در شهرهای سمنند، کرمانشاه و اهواز در اعتراض به ستاد اجرایی و بنیاد تعاون سپاه پاسداران دست به تجمع زدند.

یکشنبه ۲۸ تیر: جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی در رشت، اهواز و شوش دست به تجمع اعتراضی زدند. **دوشنبه ۲۹ تیر:** تعدادی از بازنشستگان مخابرات در شهرهای اصفهان، کرمانشاه، سمنند و بیجار تجمع اعتراضی برگزار کردند.

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۲۰

«او می‌گوید در این پرونده نام سه فرد و دو متهم ناشناس وجود دارد. ما دو نفر از آنها را دستگیر کرده‌ایم. تیم تحقیقات ویژه که برای این پرونده تشکیل شده است در تلاش برای دستگیری بقیه متهمان و بررسی پرونده است.»

پلیس می‌گوید برخی از متهمان پیشینه اعمال مجرمانه داشته‌اند و موارد قانونی مربوط به تجاوز گروهی در مورد آنها اعمال شده است.

رنگ جنسیتی بیکاری

روز سه شنبه ۱۶ تیر ۱۴۰۵، یاسر مختاری در وبسایت «پیام ما» پیرامون تبعیض جنسیتی نوشت: «بازار کار ایران پیش از جنگ نیز برای زنان نابرابر بود، اما بحران اخیر نشان داد در زمان تکانه‌های اقتصادی و اجتماعی، این نابرابری عمیق‌تر می‌شود. تا زمانی که امنیت شغلی، حمایت‌های قانونی و فرصت‌های برابر برای زنان تقویت نشود، هر بحران تازه، پیش از همه، اشتغال زنان را هدف خواهد گرفت.» در بخش دیگر این مقاله می‌خوانیم: «بازار کار ایران برای زنان، سال‌هاست با درهای نیمه‌باز تعریف می‌شود؛ ورود به آن دشوار است و ماندن در آن دشوارتر. شرایط پس از جنگ و وضعیت اقتصادی، شکافی را که از پیش وجود داشت عمیق‌تر کرده و بار دیگر زنان را به نخستین قربانیان بحران اشتغال تبدیل کرده است...»

به گزارش اینلا، بهروزآذر معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، گفته است: «در بازار کار، کاهش اشتغال، به‌ویژه در میان زنان، نگران‌کننده است. آمارها نشان می‌دهد که یک‌سوم از متقاضیان بیمه بیکاری را زنان تشکیل می‌دهند که با توجه به سهم کمتر آنان در اشتغال رسمی، موضوعی قابل تأمل و نیازمند اقدام فوری است. پیش از شروع جنگ می‌دانستیم که زنان و کودکان نخستین قربانیان هر جنگی هستند و در این جنگ نیز دستکم در حوزه اشتغال، قربانیان جدی هستند و باید برای آن‌ها تدبیر داشت.»

(منابع استفاده شده برای این مجموعه: رادیو بین المللی فرانسه بخش فارسی، رادیو زن، افغانستان اینترنشنال، صدای آمریکا، بی‌بی‌سی)

زنان در مسیر رهایی (تیر ۱۴۰۵)

اسد ظاهری



به گفته منبع، این زنان روز شنبه ۱۶ خرداد (جوزا) از جاده های «لیلامی فروشیها»* و «نخودبریزان» شهر هرات بازداشت شده‌اند.

یکی دیگر از منابع دیگر در هرات می‌گوید: محتسبان امریه معروف طالبان سر هر خیابان در شهر هرات ایست بازرسی گذاشته‌اند و با همراهی چند نیروی زن، زنانی را که مانتو پوشیده‌اند با توهین و تحقیر بازداشت می‌کنند و با خود می‌برند.

*در افغانستان، لیلامی فروشی‌ها به مکان‌هایی گفته می‌شود که در آن‌ها لباس‌ها، کفش‌ها و وسایل دست‌دوم یا نو خارجی با قیمت ارزان فروخته می‌شوند.

سازمان ملل خواستار مشارکت سیاسی زنان افغانستان شد



هیات معاونت سازمان ملل در افغانستان به مناسبت روز جهانی زنان در دیپلماسی، بر ضرورت مشارکت معنادر زنان افغانستان در زندگی عمومی و روندهای تصمیم‌گیری سیاسی تأکید کرد. یوناما گفت که حضور و صدای زنان برای دستیابی به صلح پایدار، توسعه فراگیر و آینده‌ای روشن برای افغانستان حیاتی است.

یوناما روز چهارشنبه ۳ تیر ۱۴۰۵ در بیانیه‌ای نوشت که تضمین مشارکت معنادر زنان در زندگی عمومی و روندهای تصمیم‌گیری در افغانستان همچنان یک ضرورت اساسی است.

این نهاد سازمان ملل بار دیگر بر اهمیت فراهم‌سازی فرصت‌های برابر برای زنان و دختران افغان تأکید کرده و گفته است که آنان باید بتوانند آموزش ببینند، رهبری کنند و در تمامی عرصه‌های جامعه، از جمله دیپلماسی و خدمات عمومی، نقش مؤثر ایفا کنند.

روز جهانی زنان در دیپلماسی هر سال در ۲۴ ژوئن گرامی داشته می‌شود و هدف آن برجسته‌کردن نقش زنان در دیپلماسی، صلح‌سازی و تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی و ترویج مشارکت برابر آنان در عرصه روابط بین‌الملل است.

بقیه در صفحه ۲۰

مطابق نتایج سنجش ملی شورای عالی برابری جنسیتی که در ۲۱ ژانویه منتشر شد، ۱۷ درصد از جمعیت فرانسه از تبعیض جنسیتی خصومت‌آمیز استقبال می‌کنند. شورای عالی برابری جنسیتی که یک نهاد مشورتی وابسته به دفتر نخست‌وزیر است در گزارش سالانه خود در مورد تبعیض جنسیتی اعلام کرد که فرانسه در شناسایی و مقابله با مردسالاری به طرز نگران‌کننده‌ای عقب مانده است. این شورا با تأکید بر اینکه نفرت از زنان می‌تواند به خشونت و حتی تروریسم منجر شود، خواستار به رسمیت شناختن این پدیده به عنوان یک مساله امنیت عمومی شد و خاطرنشان کرد کشورهایی مانند کانادا و بریتانیا پیش از این، این موضوع را در استراتژی‌های ضد افراط‌گرایی خشونت‌آمیز خود گنجانده‌اند.

اقتصاد فلاکت روانی

ابزارهای دیجیتال با فراهم کردن امکان ارتباط میان جوامع مختلف مردسالار، ناامیدی‌های فردی را به خشمی جمعی علیه زنان و اقلیت‌ها تبدیل کرده‌اند. شبکه‌های اجتماعی بستر بی‌نظیری برای ابراز وجود این جنبش فراهم آورده‌اند. کانالهای دیجیتال متعدد، از پلتفرم‌های پرمخاطب گرفته تا فضاهای بسته و زیرزمینی، با سرعت زیادی این روایت‌ها را منتشر می‌کنند. مطابق مطالعه‌ای که در سال ۲۰۲۴ در دانشگاه دوبلین ایرلند انجام شد، تنها ۲۶ دقیقه طول می‌کشد تا کاربری که در تیک‌تاک یا یوتیوب گشت‌وگذار می‌کند، با محتوای مردسالارانه مواجه شود.

این محتوا به دلیل بهره‌گیری از فرهنگ عامه، میم‌ها* و زبان طنز، به راحتی میان مخاطبان نوجوان پخش می‌شود؛ چرا که زبانی رمزگذاری‌شده دارد و حس تعلق به یک جامعه برگزیده را القا می‌کند. اینفلوئنسرهای مردسالار با فروش فرمولهای اغواگری، طرح‌های سریع پولدار شدن، راهکارهای ارتقای جایگاه اجتماعی و توصیه‌های زیبایی ظاهری، عملاً یک «اقتصاد فلاکت روانی» به راه انداخته‌اند.

سناورهای فرانسوی و نویسندگان این گزارش هشدار می‌دهند که این جهان‌بینی پیش از ابراز در شبکه‌های اجتماعی، وارد زندگی روزمره خانواده‌ها شده است؛ تا جایی که روایت‌های دختران، مادران و خواهران نشان می‌دهد که آن‌ها از رفتار غریب مردان خانواده خود متحیر شده‌اند.

*میم (Meme) به تصویر، ویدیو یا نوشته‌ای کوتاه و خنده‌دار گفته می‌شود که به سرعت در اینترنت پخش می‌شود و حامل یک مفهوم فرهنگی یا اجتماعی مشترک است. زبان طنز در میم‌ها شامل شوخیهای تصویری، کنایه‌های اجتماعی و اغراق است که احساسات روزمره را بیان می‌کند.

بازداشت دهها زن در هرات به اتهام «بدحجابی»^۲

بار دیگر گزارشهایی از آزار و اذیت جنسی زنان در جریان بازداشت‌های گوناگون منتشر شده است. به گفته شاهدان، دو دختر که تنها برای ساعاتی در بازداشت طالبان به سر برده بودند، پس از رهایی از تجاویز که بر آنان صورت گرفته بود سخن گفتند.

منابع در هرات، می‌گویند که نیروهای امریه‌معمروف و نهی‌ازمنکر طالبان نزدیک به ۴۰ زن را به دلیل پوشیدن چادری از بخشهای مختلف شهر بازداشت کرده‌اند.

پروژه نوظهور مردسالاری



سنای فرانسه برای نخستین بار با انتشار یک گزارش اطلاعاتی تکاندهنده، از رشد نگران‌کننده «شبکه‌های مردسالارانه افراطی» به عنوان یک تهدید امنیتی نوظهور پرده برداشت؛ پدیده‌ای دیجیتال و خشونت محور که با ایجاد یک «اقتصاد فلاکت روانی»، نسل جوان را هدف قرار داده و زنگ خطر تروریسم زن ستیزانه را در این کشور به صدا درآورده است.

پارلمان فرانسه به طور مشخص «تهدید مردسالاری» را وارد برنامه‌های خود کرده است. برای نخستین بار، گزارش اطلاعاتی یک هیات حقوق زنان که در سنا تهیه شده، در روز چهارشنبه ۲۴ ژوئن به طور علنی منتشر شد. این گزارش ۲۶۰ صفحه‌ای به افزایش نگران‌کننده قدرت «شبکه‌های مردسالاری» می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این ایدئولوژی، خشونت را در میان مردان و حتی زنان جوان افزایش می‌دهد.

واژه مردسالاری که در اواخر قرن نوزدهم مصطلح شد، مجموعه‌ای از ایده‌ها و ارزشهای دیرینه از جمله مردمحوری را توصیف می‌کند که در سالهای اخیر به ویژه در واکنش و تقابل با پیشرفتهای جدید در حوزه حقوق زنان و جامعه LGBTQIA+ احیا شده است و زنان را مقصر اصلی افت کیفیت زندگی مردان می‌داند. گزارش سنای فرانسه نشان می‌دهد که ظهور این گفتمانها بخشی از یک واکنش منفی جهانی به پیشرفتهای زنان است؛ واکنشی که حقوق به دست‌آمده از طریق مبارزات جمعی دهه‌های گذشته را به چالش می‌کشد.

مردسالاری اغلب با تئوریهای توطئه پیوند خورده و به جریانهای راست افراطی نزدیک است. جهان‌بینی این جریان مبتنی بر سلسله مراتب میان زن و مرد و همچنین رتبه‌بندی درون جنسیتی بر اساس معیارهای جسمی، ژنتیکی و قومی است که در مجموع، یک دیدگاه برتر گرایانه را دنبال می‌کند. این جریان در قرن بیست و یکم با ناهمگونیهای زیادی همراه شده است؛ از مردان جوانی که با فیزیک خود مشکل دارند تا اینفلوئنسرهایی که نفرت از فمینیستها و عموم زنان را در جهت یک دستور کار سیاسی ضد دموکراتیک بازنشر می‌کنند.

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۹

پیش از به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان، زنان به طور گسترده در تصمیم‌گیری‌های سیاسی حضور داشتند و نقش فعالی ایفا می‌کردند. در حکومت پیشین افغانستان زنان عضو کابینه بودند و زنان در سمت‌های بلند دولتی از جمله والی، سفیر، ولسوال و در مجلس نمایندگان نقش آفرینی می‌کردند. فعالان حقوق بشر می‌گویند طالبان با حذف زنان از جامعه «آپارتاید جنسیتی» را تحکیم کرده است.

شلیک مستقیم طالبان به معترضان



موج جدید بازداشت زنان در افغانستان به بهانه «بدحجابی»، یکی از نادرترین اعتراضات خیابانی را در شهر هرات در پی داشته؛ امری که با واکنش مسلحانه و خونین نیروهای طالبان مواجه شده است.

به گزارش نهادهای حقوق بشری و سازمان ملل، پلیس امر به معروف طالبان در روزهای اول تیرماه دستکم ۳۰ زن را در مناطق مختلف هرات بازداشت کرده است.

شاهدان عینی تأیید می‌کنند که این زنان همگی دارای پوشش کامل و حجاب سنتی بوده‌اند، اما به دلیل آنچه طالبان آن را «عدم رعایت استانداردهای پوشش مورد نظر این گروه» می‌دانند، با ضرب و شتم بازداشت شده‌اند.

در پی این بازداشت‌ها که با واکنش شدید خانواده‌ها همراه شد، جمعیتی حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر از مردان و زنان در محله «جبرئیل» هرات به خیابان آمدند و با سر دادن شعارهایی چون «کار، آموزش، آزادی» خواستار توقف بازداشت‌ها شدند. نیروهای امنیتی طالبان ابتدا برای متفرق کردن جمعیت اقدام به شلیک هوایی کردند، اما بلافاصله اسلحه‌ها را به سمت معترضان، از جمله زنان و کودکان فراری، گرفته و شلیک مستقیم کردند.

بر اساس گزارش سازمان ملل و سازمان دیده‌بان حقوق بشر، در این تیراندازی حداقل ۲ نفر، شامل یک کودک ۱۱ ساله و یک زن، کشته شدند، و بیش از ۲۰ تن دیگر مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

چرا زنان بیشتری در چین به پوشیدن لباسهای مردانه روی آورده‌اند؟

با نزدیک شدن تابستان، یک زن جوان چینی هنگام مرتب کردن لباسهایش متوجه تغییری شد: تعداد لباسهای «مردانه» او اکنون از لباسهای زنانه‌اش بیشتر شده بود. پیراهن‌ها، تی‌شرت‌ها و شلوارک‌ها برای دوست‌پسر یا پدرش خریده نشده بودند، بلکه برای خودش بودند.

او تنها نیست. شمار فزاینده‌ای از زنان جوان چینی، چه در حلقه دوستان او و چه در فضای آنلاین، می‌گویند به دلایلی مشابه از جمله کیفیت بهتر، قیمت پایین‌تر، راحتی بیشتر و



شرمسار سازی کمتر درباره بدن، به پوشیدن لباسهای مردانه روی آورده‌اند.

اما چه چیزی محرک این روند است؟

این تغییر در بحبوحه اقتصاد ضعیف مصرف‌کننده در چین رخ می‌دهد.

در شیائو هوانگشو، اپلیکیشن محبوب شبکه اجتماعی چینی که با نام ردنوت نیز شناخته می‌شود، برچسب «زنان در لباس مردانه» بیش از ۸۲ میلیون بازدید داشته است، در حالی که برچسب «پوشش بدون جنسیت» از ۹۰ میلیون بازدید فراتر رفته است.

پستهای مربوط به این موضوع به سرعت افزایش یافته‌اند و اغلب درباره مزایای لباسهای مردانه صحبت می‌کنند. مزایایی مانند استفاده بیشتر از پنبه و کتان، برشهای ساده‌تر، جیبهای بزرگ‌تر، درزهای نرم‌تر، پرداخت بهتر و قیمت‌های پایین‌تر او به یاد می‌آورد که این تغییر در کمد لباس در سال ۲۰۲۳ آغاز شد. زمانی که صفحه پیشنهادی دوپین او (نسخه داخلی تیک‌تاک در چین) پخشهای زنده فروش تی‌شرت مردانه را به او نشان می‌داد.

در ابتدا این موضوع برایش گیج‌کننده بود. او هرگز برای پدر یا دوست پسرش خرید نمی‌کرد، پس چرا الگوریتم چنین محتوایی را به او پیشنهاد می‌داد؟ تصور می‌کرد این یک خطای سیستمی است، تا اینکه روزی هنگام رفتن به دستشویی، تلفنش را به طور اتفاقی روی یک پخش زنده فروش لباس روشن گذاشت.

«دخترها می‌توانند این را در سایز کوچک‌تر بخرند و خودشان بپوشند»، «این لباس بدون جنسیت است؛ زنان هم می‌توانند آن را بپوشند».

این جملات ظرف چند دقیقه بارها و بارها تکرار می‌شد. در مقایسه با پخشهای زنده‌ای که زنان را هدف قرار می‌دهند و اغلب بر لاغر نشان دادن، پنهان کردن نقصهای ادعایی یا ارائه تصویری ظریف و زنانه تأکید دارند، این یکی بر کیفیت پارچه و مواد اولیه تمرکز داشت.

او می‌گوید: «این واقعا برای من جذاب بود. هیچ‌وقت نفهمیده‌ام چرا لباسهای زنانه مدام استانداردهای رایج زیبایی را تبلیغ می‌کنند، به‌ویژه وقتی طراحیهای شان اغلب راحت نیست».

قیمت نیز عامل مهمی بود: قیمت بیشتر این پیراهن‌ها کمتر از ۱۰۰ یوان (۱۴ دلار، ۱۱ پوند) بود. حتی اگر مجبور می‌شد آنها را پس بدهد، ریسک زیادی احساس نمی‌کرد.

او نخستین تی‌شرت «مردانه» خود را خرید و شگفت‌زده شد. این لباس نسبت به لباسهای زنانه‌ای که پیش‌تر با سه برابر این قیمت خریده بود، راحت‌تر، ضخیم‌تر و قابل تنفس‌تر بود. طولی نکشید که خرید لباسهای مردانه بیشتری را آغاز کرد و احساس ناخوشایندی که انتظار داشت از پوشیدن آنها داشته باشد، هرگز به وجود نیامد.

او می‌گوید با گذشت زمان، این لباسها به تدریج کم‌دش را تصرف کردند

یک تجاوز گروهی دیگر در هند؛ چرا زنان هنوز در امان نیستند؟



هشدار: جزئیات این مطلب ممکن است برای برخی افراد آزارنده باشد.

سیزده سال پس از تجاوز گروهی به زنی هندی در اتوبوسی در دهلی پایتخت هند که به سرخط خبرهای روز تبدیل شده بود، گزارشی که روز پنجشنبه ۱۸ تیر ۱۴۰۵ منتشر شد، حاکی از وقوع پرونده تجاوز جدیدی در ایالت بیهار در شمال هند است که از نظر شدت خشونت بی‌شباهت به آن حادثه نیست.

مدافعان حقوق زنان می‌گویند ماجرای این زن یکی دیگر از موارد بی‌تفاوتی پلیس و مسئولان بهداشتی نسبت به زنانی است که با آزار جنسی به‌ویژه در شهرها و روستاهای کوچک در هند به طور هر روزه مواجه هستند.

مطابق قانون هند افزایش نام قربانیان خشونت جنسی ممنوع است به همین دلیل ما قربانی این پرونده را سوما می‌نامیم که نام واقعی او نیست.

مادر ۲۸ ساله چهار کودک به بی‌بی‌سی هندی می‌گوید در خانه خودش مورد حمله و تجاوز گروهی از مردان قرار گرفته است که اشیایی را وارد واژن او کرده‌اند.

این اتفاق پنجشنبه شب ۲۱ خرداد ۱۴۰۵ در روستای بگوسرای افتاده است که به طور رسمی یکی از محروم‌ترین مناطق هند شناخته می‌شود.

پس از آنکه پزشکان بیمارستان تأیید کردند که او با اشیایی مورد آزار قرار گرفته است که پزشکان از رحم او بیرون آورده‌اند، این حادثه در هند مورد توجه همگانی قرار گرفت. او همچنین یک پوکه فشنگ را نشان داد و گفت یکی از اشیاء مورد استفاده متجاوزان بوده است.

سوما با بیان جزئیات آزار جنسی می‌گوید شبانه به دستشویی بیرون از خانه یک اتاق‌اش رفته بود که پنج مرد به او حمله کردند. دستشویی در نداشت و فقط پرده‌ای آویخته بر درگاه تا حدودی حریم خصوصی آن را حفظ می‌کرد.

او می‌گوید: «آنها مرا برهنه کردند و دست‌ها و دهانم را بستند. وقتی خواستم مقاومت کنم چاقویی بر سینه‌ام گذاشتند و به من تجاوز کردند».

او می‌گوید که شوهرش ابتدا فکر کرده بود صدای ناله‌های او صدای گربه‌های ولگرد است اما پس از مدتی مشکوک شد و سراغ او رفت.

«آنها در خانه را از بیرون قفل کرده بودند. او همسایه را خبر کرد تا در را باز کند و همه وضعیت مرا دیدند و شروع به گریه کردند»

رئیس پلیس منطقه بگوسرای که خود را مانیش می‌نامد به بی‌بی‌سی می‌گوید: «گزارش پزشکی سوما تجاوز جنسی را تأیید کرده است».

توطئه شیخ و شاه با خروش زنان و مردان آزادیخواه نقش بر آب شد!

زینت میرهاشمی



تهدیدهای تروریستی رژیم ولایت فقیه علیه ایرانیان آزادیخواه، ارباب مخالفان در خارج از مرزهای ایران و استفاده از حربه ترور برای یاج خواهی از کشورهای دیگر، از آغاز به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی تاکنون امری مداوم، شناخته شده و مستند است. اجرای بخشی از این تهدیدها در کشورهای اروپایی و محکومیت قضایی عوامل آن در دادگاهها، گواه روشنی بر این واقعیت است.

با این حال، از قیام ۱۴۰۱ به بعد، پدیده‌ای جدید نیز به این فضای سرکوب افزوده شده است. ما شاهد موجی از تهدیدهای خشن، فحاشیهای جنسیت‌زده، حمله به تجمعها و تظاهرات مخالفان استبداد هستیم. در شرایطی که حکومت ولایت فقیه بیش از هر زمان دیگری با بحران مشروعیت روبه رو بوده و هست، هواداران رضا پهلوی نیز با شیوه عمب و پرچم ساواک به میدان تقابل با مخالفان آمدند.

در این میان، برخی جریان‌های فاشیستی هوادار سلطنت با سوءاستفاده از فضای دموکراتیک کشورهای میزبان، اقدام به سازماندهی رفتارهای تحریک‌آمیز کرده‌اند. هم‌زمان، جابه‌جایی برخی از نیروهای پیشین وابسته به دستگاه ولایت فقیه به سمت جریان‌های پهلوی طلب نیز بر تشدید این هم‌پوشانی در رفتارهای سرکوبگرانه علیه مخالفان بی‌تأثیر نبوده است.

تظاهرات مقاومت که علیه اعدام و سرکوب در ایران تدارک دیده شده بود، تنها ۲۴ ساعت پیش از برگزاری، به بهانه تهدیدهای امنیتی توسط پلیس فرانسه ممنوع شد. این اقدام در ادامه همان سیاست مماشات با دیکتاتوری دینی قابل ارزیابی است با این تفاوت که این بار، تهدیدهای برخی جریان‌های وابسته به رضا پهلوی نیز برای محدودسازی حق تجمع تلاش کردند.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده از سوی پلیس، این تظاهرات در معرض «خطر حمله از سوی عوامل جمهوری اسلامی یا سلطنت‌طلبان ایرانی» قرار داشته است. همچنین در حکم صادره به تهدیدی اشاره شده که بر اساس آن، «عناصر وابسته به سرویس امنیتی پیشین شاه (ساواک) در صورت برگزاری تجمع، تهدید به بمب‌گذاری کرده‌اند». (به نقل از اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت)

در این میان، برخی افراد و جریان‌های شناخته‌شده هوادار رضا پهلوی در پاریس نیز با انتشار مطالب و نامه‌نگاری‌های متعدد، خواستار جلوگیری از برگزاری این تجمع شدند و از ابزارهای مختلف برای ایجاد اختلال در آن استفاده کردند. این رفتارها در فضای آزاد و دموکراتیک اروپا، پرسش‌های جدی درباره ماهیت سیاسی این جریانها و همکیشی شان با استبداد دینی ایجاد می‌کند.

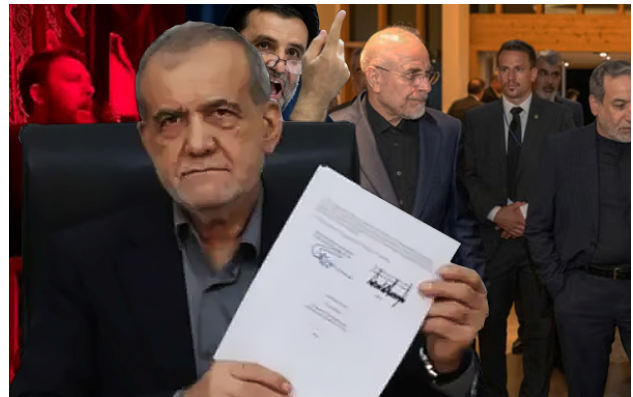
در نهایت، تن دادن وزارت کشور دولت فرانسه به این تهدیدها نه ناشی از ناتوانی در تأمین امنیت، بلکه نوعی مماشات سیاسی با حکومت سرکوبگر حاکم بر ایران ارزیابی می‌شود. به‌ویژه آنکه در این تصمیم، هیچ سازوکار مشخص و مؤثری برای مهار تهدیدکنندگان و حفاظت از حق اعتراض نیز پیش‌بینی نشده است.

در مقابل این توطئه ضد انسانی و غیر دموکراتیک، هزاران ایران در گوشه و کنار پاریس، از جمله در میدان ووبان، جمهوری، تروکادرو، باستیل و... با خروش اعتراضی خود همدستی دولت فرانسه به شیخ و شاه را محکوم کرده و صدای زندانیان سیاسی را به گوش جهانیان رساندند.

فراسوی خبر... سه‌شنبه ۲ تیر

بحران جنگ و جانشینی در آینه «تفاهم»

منصور امان



بحران جنگ و جانشینی میدان تجلی خود را در مساله مذاکره و عقب‌نشینی یافته است و به همان میزان که چارچوب و اجزای «تفاهم» با آمریکا اشکال مشخص‌تری به‌خود می‌گیرد، بر مدار آن جدال باندهای رقیب نیز شدت بیشتری یافته و بر صراحتش افزوده می‌شود.

موضع تهاجمی پزشکیان، رئیس جمهوری منتصب علی خامنه‌ای، در برابر فشارهای مجتبی و اطرافیان وی به‌خوبی در این کادر جای می‌گیرد. او در واکنش به مانور آقازاده رهبر که ژست مخالف گرفته و مسوولیت بده‌وبستان با آمریکا را متوجه شخص وی کرده بود، در یک سخنرانی در جمع پرسنل بسیجی دانشگاه تاکید کرد: «همه امضا کرده‌اند که این راه را باید برویم. حالا هر کسی می‌خواهد تفرقه ایجاد کند، این گوی و این میدان!»

وی بازی پاس دادن مسوولیت را بهم زد و با لیست کردن منصوبان «رهبر» گفت: «فرمانده قرارگاه [خاتم الانبیاء]، فرمانده ارتش و سپاه و نهادهای امنیتی همه بودند و همه یک حرف زدند و همه متحد بودند و همه آن چیزی را که می‌خواستیم عمل کنیم را امضا کردند.»

او این سخنان را زمانی به زبان می‌آورد که نمایندگان حاکمیت برای مذاکره پیرامون مسائل اجرایی «تفاهمنامه» در سویس بسر می‌برند و با پایوران ارشد آمریکا دور یک میز نشسته بودند. پیشتر، رقبای ائتلاف قالیباف - پزشکیان با افشای اسناد داخلی حاکمیت که بیانگر نارضایتی و شرط‌گذاری مجتبی بود، تلاش کرده بودند مانع تحرک سیاسی آنها در این راستا شوند. «خط قرمز»های فانتزی مجتبی و پڑهای عوامفریبانه‌ای همچون «شکست دشمن»، «ادامه جنگ»، «حذف مساله هسته‌ای از مذاکرات»، باجگیری در تنگه هرمز و جز آن هدف دیگری جز تضعیف موقعیت رقیب ندارد.

پزشکیان با به تصویر کشیدن و افشای شرایط وخیمی که «نظام» و باندهای آن در مجموع در آن دست‌وپا می‌زنند، به رویارویی با ترفند رقیب رفته است. او در همان سخنرانی به هم‌ریشان یادآوری کرد: «۴۰-۵۰ روز است نتوانسته‌ایم از خلیج فارس نفت صادر کنیم، اقتصاد ما را داغان کرده‌اند و عده‌ای بیکار شده‌اند، جوانان ما به آینده امیدی ندارند، مالیات هم نمی‌توانم بگیرم، تازه پول بیکاران را هم باید بدهم.»

وی به مجتبی و دوستان آدرس جامعه معترض را داد و هشدار داد که پیامد ادامه شرایط موجود باختن همه‌چیز است: «از آنچه که من می‌ترسم این است که مردم ناراضی شوند و بیایند در خیابان و اعتراض کنند. آن وقت این آیه‌ت بهم می‌ریزد.»

تجربه نشان داده که اختلاف و جدال باندهای حکومتی بر سر بحران خارجی، بیشتر از آنکه جدال رویکردهای متفاوت در این پهنه باشد، همواره نزاع بر سر قدرت و ثروت و تنظیم توازن نیرو بین مدعیان بوده است. در دوره‌ای «صلاح‌طلبان» و «محافظه‌کاران سنتی» و زمانی «اعتدال‌گرایان» و «اصولگرایان» از این دریچه با در پی کسب هژمونی بودند و یا از هژمونی خود حفاظت می‌کردند. کشمکش امروز نیز دارای همین مضمون است، با این تفاوت که در شرایط دیگری جریان می‌یابد که از جنگ و جانشینی مجتبی رنگ گرفته است. این بار طرفهای درگیر چاره‌ای جز تقسیم منافع و زیانها ندارند. نزاع فقط بر سر آن است که سهم بزرگتر از یک منافع از آن کیست و «جام زهر» را چه کسی چند جرعه بیشتر بنوشد.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۴ تیر

تابوت گردانی یک جنایتکار، واقعیت خونین دی ماه را پاک نمی کند

زینت میرهاشمی



تابوت گردانی یا تعطیل کردن کسب و کار مردم، بستن راهها، مختل کردن زندگی شهروندان و تحمیل هزینه های سرسام آور طی چند روز به مردم، بیش از هر چیز شکست خیال پردازیهایی یک دیکتاتور بی رحم و خونریز را به نمایش گذاشت؛ جنایتکاری که معترضان دی ماه را «اغتاشگر» نامید و دستور داد: «اغتاشگر را باید به جای خودش نشانند.» (رسانه های حکومتی، ۱۳ دی ۱۴۰۴)

علی خامنه ای؛ جنایتکاری بود که هم جنگ را به ایران کشاند و هم بازماندگانش را پای میز مذاکره مستقیم نشانند. دیکتاتوری که با شعار «اقتصاد مقاومتی»، ریاضت اقتصادی را بر مردم تحمیل کرد و در نهایت، به خالق مجموعه ای از بحران های ضد منافع ملی مردم و کشور تبدیل شد.

هدف رژیم از انتخاب شهرهایی مانند تهران، قم، مشهد، بغداد، کاظمین، نجف و کربلا برای برگزاری عزاداری حکومتی عزاداری، ارسال این پیام به جهان بود که حکومت ولایت فقیه همچنان تداوم دارد.

به توصیه دل نگاران حکومتی، هدف از این جنازه گردانی باید «آزمون بزرگ دیپلماسی برای تشیع تاریخی» باشد؛ تشیعی که به گفته آنان «باید به جهان بگوید که ایران [بخوانید رژیم] پس از مرگ رهبرش، نه در وضعیت خلأ بلکه در موقعیت انسجام ملی ایستاده است... این مراسم می تواند به یک تصویر ماندگار تبدیل شود.» (تلگرام رصد - عماد سلیمانی)

اما ترکیب شرکت کنندگان از کشورهای مختلف، در کنار عدم حضور سران کشورهای غربی و حتی بسیاری از مقامهای بلند پایه کشورهای همسو با جمهوری اسلامی، این آزمون دیپلماسی را با شکست روبرو کرد. دلخوری آخوند ابیطی، رئیس دفتر محمد خاتمی، از دعوت نشدن چهره های سابق نظام برای پررنگ تر کردن «وحدت ملی» نیز در همین چارچوب قابل توجه است.

پس از روز اول نمایش حکومتی، سرکردگی آخوند محسنی اژه ای بر قوه قضائیه، با حکم مجتبی خامنه ای ابقا شد. ابقای این جلاد تداوم سرکوب، ادامه زنجیره اعدام، شکنجه و دیگر اشکال سرکوب است؛ پیامی روشن که در دستگاه سرکوب هیچ تغییری رخ نداده است. رژیم می خواهد نشان دهد که در همچنان بر همان پاشنه می چرخد، اما زهی خیال باطل.

رژیم برای پاک کردن خونهای ریخته شده هزاران شهروند، به جنگ و سپس به چنین جنازه گردانی نیاز دارد. در کشوری با حدود ۹۰ میلیون جمعیت، شمار شرکت کنندگان در این مراسم هیچ مشروعیتی به کارنامه خامنه ای و جنایتهای حکومت او نمی بخشد. مطالباتی که به قیامهای دی ماه ۱۳۹۶، آبان ۱۳۹۸، خیزش ۱۴۰۱ و سرانجام قیام پرشکوه ۱۴۰۴ انجامید، همچنان پابرجاست و صورت مساله جامعه ایران تغییری نکرده است. از این منظر، قطار فرسوده حکومت دیگر بر همان ریل گذشته به حرکت خود ادامه نخواهد داد. هم جدال باندهای حکومتی افزایش خواهد یافت و هم فروش توده ای.

فراسوی خبر ... دوشنبه ۱۵ تیر

حاکمان جنگ طلب؛ نان مردم و جان زندانیان سیاسی را به گروگان گرفته اند

زینت میرهاشمی



در هنگامی که هموطنان زحمتکش و تهیدست مناطق مرزی جنوب، زیر گرمای بالای ۵۰ درجه، بی آب و بی برق، در جهنم جنگ طلبی می سوزند، جنگ طلبان از منبرهای امن خود همچنان فرمان ادامه جنگ و اعدام زندانیان سیاسی را صادر می کنند.

آخوند علی زاهد دوست، امام جمعه شهرستان دشتی، روز آدینه ۲۶ تیر، از منبر گرم و راحت خود، «قصاص» و «اعدام» را حکم الهی و تضمین کننده امنیت جامعه دانست. علی صالحی، بیدادستان تهران، روز سه شنبه ۲۳ تیر، از ایجاد «شعب ویژه ای» در بیدادسرای تهران خبر داد. این مزدور رژیم با بی شرمی اعلام کرد: «در حال اجرای احکام اعدام و زندان بازداشت شدگان اعتراضات و جنگ هستیم.»

روز یکشنبه ۲۸ تیرماه، بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای تهران، شوش و اهواز، زیر گرمای شدید و در شرایط ناامنی ناشی از جنگ، در ادامه یکشنبه های اعتراضی دست به تجمع زدند و خواستار تحقق خواسته های خود شدند.

بازنشستگان تأمین اجتماعی کرمانشاه روز یکشنبه ۲۱ تیر به درستی در تجمع اعتراضی خود شعار دادند:

«جنگ افروزی کافیه، سفره ما خالیه»

«با این سفره بی نان، معترضیم همچنان»

«کارگر زندانی - معلم زندانی آزاد باید گردد»

همزمان با تبلیغ و ترویج فضای جنگی و طلبیدن دشمن به میدان جنگ، اعدام سازندگان قیام خونین دی ماه ۱۴۰۴ ادامه دارد. دستگاه شکنجه، اعترافهای اجباری و چوبه های دار، باوجود جنگ، بیش از همیشه فعال است.

روز یکشنبه ۲۸ تیر، دو معترض علیه استبداد، از بازداشت شدگان قیام دی ماه، به نامه های عرفان اسفندیاری و گل محمد محمدی در اصفهان سر به دار شدند. عارف خوشکار، از معترضان اعتراضات دی ماه، نیز روز یکشنبه ۲۱ تیر اعدام شد.

روز یکشنبه اعتصاب زندانیان واحد ۲ زندان قزلحصار کرج، هفتمین روز خود را پشت سر گذاشت. اعتصاب این زندانیان در اعتراض به اجرای احکام اعدام در این بند ادامه دارد. بیش از هزار زندانی اعتصابی خواهان توقف احکام اعدام خود شدند. در همین روز، تعدادی از خانواده های محکومان به اعدام مقابل زندان قزلحصار دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان توقف اعدامها شدند.

سرنوشت مبهم برگه تفاهمی که بین دو رئیس جمهور امضا شد، از همان ابتدا روشن بود. روایتیهای کارگزاران جمهوری اسلامی در باره داشتن دست برتر در تفاهم نامه، چیزی جز فروش رژیهای بربادرفته خامنه ای به مخالفان مذاکره و توافق نبود.

این پرسش همچنان مطرح است که چگونه رژیم بنیادگرای مذهبی، بدون تغییرات ساختاری، می تواند به صلح و همزیستی پایدار با جامعه جهانی و کشورهای همسایه برسد؛ رژیمی که تاکنون با تکیه بر شعار جنگ، دشمنی، صدور بحران و حمایت از تروریسم در منطقه دوام آورده است.

همچنین کاسبان جنگ، تحریم و بحران چگونه می خواهند از منافع مادی خود در شرایط صلح، آرامش و امنیت مردم کوتاه بیایند؟ منافع آنان در جنگ، صدور تروریسم در خارج از مرزها و سرکوب مردم در داخل است. پذیرش این واقعیت برای پایوران رژیم به سادگی امکان پذیر نیست.

فراسوی خبر ... دوشنبه ۲۹ تیر

عاشورای اعتراضی؛ فرصتها و چالشها

منصور امان

بیخشد. با این ترفند، سیاست به امری قدسی، نقدناپذیر و اطاعت‌خواه و راهبران آن به موجوداتی در پیوند با آسمان و مجری دستورات الهی معرفی و ترویج می‌شدند. معترضان عاشورا این مناسبات را برهم زدند، حاکمان ستمگر ج.ا را در تریبون انحصاری‌شان به چالش گرفتند و خود روایتگر دین و آیینی شدند که نمادهای آن به جای گذشته، به زندگی امروز پیوند خورده است.

در همین حال باید یادآوری کرد که مبارزه با استبداد همراه با مطالبه آزادی و عدالت امری عرفی است، حتی اگر به قلمرو ایدیولوژی نیز گسترش یافته باشد. از این رو هدف استفاده از نمادهای دینی نمی‌تواند و نباید کسب حقانیت دینی برای چنین مبارزه‌ای با این ماهیت باشد. مبارزه علیه بیدادگری رژیم حاکم مشروعیت خود را از خواست و پافشاری بر حقوق و ارزشهایی می‌گیرد که حقوق سیاسی و اقتصادی را در بُعد اجتماعی و کرامت انسانی را در بُعد حقوق فردی تأمین و تضمین می‌کند. هر تلاشی برای تعریف و استدلال رویکردها و سیاست در قالب دین یا با دین، این مبارزه را تضعیف کرده و مبانی مشروعیت آن را که پا بر زمین سفت زندگی عینی و مطالبات و نیازهای برآمده از آن دارد، به چالش می‌کشد.

از این رو حرکت‌های اعتراضی عاشورا به گونه ویژه و مرزبندی و افشای ایدیولوژیک رژیم ولایت

کارنامه خونین و فلاکت‌زای اسلام سیاسی، میدان نمود تضاد جامعه و حاکمیت را به پهنه ایدیولوژی و باورها نیز گسترش داده است؛ آنچه که در مقام تجربه زیسته خود را در فاصله‌گیری بخشهایی از جامعه از دین نشان داده و در بیان سیاسی، گرایش بخشهای دیگری را به سکولاریسم محصول داشته است. اما آنچه که در مراسم تاسوعا - عاشورای سال جاری رخ داد، شکل جدیدی از این تضاد را نمایان کرده است.

خانواده‌های شهدای قیام دی‌ماه و همچنین مردم معترض، در تهران و بسیاری شهرستانها نمادهای مذهبی را به پلاتفرمی برای دادخواهی و اعتراض علیه رژیم تبهکار حاکم تبدیل کردند. آنها به همانندسازی شخصیت‌های منفی و قاتل در روایت عاشورا با سران ج.ا و به ویژه علی خامنه‌ای پرداختند، کشتار دی ماه را در کنار رویداد کربلا بر ترازوی وجدان دینداران نشاندهند و آیینهای مذهبی مانند نوحه و مرثیه‌خوانی، علم‌کشی، طبل و سینه‌زنی را به خدمت بزرگداشت شهیدان دی و یادآوری جنایت حاکمان کشور گرفتند.

یورش به رژیم حاکم از این زاویه بیش از همه بازتاب گستره اجتماعی اعتراض و برنتابیدن نظم موجود است. رژیم ولایت فقیه نفوذ خود را در میان لایه های مذهبی سنتی هم از دست



فقیه به گونه کلی را باید بخشی از مبارزه عمومی علیه استبداد مذهبی حاکم و برای دموکراسی و عدالت اجتماعی فهمید که به سهم خود با بی‌اعتبار ساختن گفتمان رسمی و باطل کردن انحصار دینی مبلغان‌اش، یکی از منابع قدرت آنها را بی‌اثر و حتی به ضد خودشان بدل می‌سازد و به این ترتیب مسیر سرنگونی نظم استبدادی - مذهبی را کوتاه‌تر می‌کند.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۱۱ تیر

داده، زیرا تیغ بیداد و ستمگری آن حتی این بخش از جامعه را نیز که زمانی پایگاه اجتماعی‌اش به حساب می‌آورد، مصون نگذاشته است. این امر ضربه دیگری به بنیان مشروعیت استبداد مذهبی است که در طول سالهای حکمرانی گام‌به‌گام پذیرش اخلاقی، سیاسی و دینی خود را در جامعه از دست داده و به پیکره‌ای بی‌اعتبار بدل گردیده که برای ادامه سلطه به گونه انحصاری به نیروی قهر و سرکوب وابسته است.

عاشورای اعتراضی همچنین به پایان انحصار روایت‌گری رژیم ولایت فقیه از دین قطعیت خواهد بخشید. ج.ا به مدد دستگاه روحانیت، شبکه مساجد و هیاتها و وسایل تبلیغاتی روایت رسمی خود را بر جایگاه گفتمان مسلط نشانده بود. این موقعیت ممتاز به آن اجازه می‌داد سیاستها، هنجارها و اخلاقیات خود را در پوشش دینی توجیه کند و بدانها مشروعیت مذهبی

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، امیر ابراهیمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 504 /23 JUILLET 2026

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E - KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E - KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalghe>

شهیدان فدایی در ماه مرداد



رفیق زهرا فرمانبردار قادیکلانی

رفقا: ابراهیم آزاد سرو، محمد صفاری
آشتیانی - فرخ سپهری - مهدی
فضیلت کلام - فرامرز شریفی - احمد
زیرم - فریدون شافعی - عباس
جمشیدی رودباری - زین العابدین
رشتچی - غلام رضا بانژاد - محمد
رضا خوانساری - حسین علی
الهیاری - جهانبخش پایداری -
مرتضی (امیر) فاطمی - داریوش
شافعیان - قدرت الله شاهین سخن -
فرزاد صیامی - بهروز کتابی - سعیده
کریمیان - گودرز همدانی - مهدی

یوسفی کهل - حسن کهل - زهرا فرمانبردار قادیکلانی - حسین پور قنبری -
محمد تقی ترابی - کریم ترابی - عبدالرضا ترابی - عبدالحسین (غلام) راشدی
- حمد رضا رمضان علی - محمد عظیمی - محمد یزدانی - کامران اسماعیل زاده
- هادی حسین زاده کرمانی - جواد کاشی (کارشی) - یوسف کیشی زاده - سعید
میرشکاری - هرمز گرجی بیانی - ابوالقاسم رشوند سرداری - همام شفیعی -
محمد (محمود) یوسفی - علی علامه زاده - حسین محمدی - بیژن مجنون -
عبدالکریم عبدالله پور - سعید سلیمانی زاده - علی احمدی - مسعود شریفیان -
عباس علی شریفیان - علی رضا قاسمیان - اسماعیل عابدی - مهرداد میناسیان -
غضنفر اسدی - خالد حالی زاده - جمیل اکبری آذری - ونداد ایمانی - جلال
فتاحی، مسعود جعفرپور - ابراهیم جلالی - عبدالرحیم (مجید) جلالی - شهرام خدا
پناهی - یحیی رجبی - محمد رفیعی - مهرداد گرنامایه - مهین ضیاشدی -
آرامائیس داربانیس - مهدی صدیق پور - ناصر فضل الهی - نصرت الله کریمی
- حالی زاده - علی یاسری نشتی - سعید سالاری ساردویی - حسن
منصوری - کنایون داده امیری (دادا میری) - یعقوب مالتی - ایوب ملکی - عزیز
محمد رحیمی - آذرنوش مهدویان - یوسف منزه - اردشیر شیرین بخش - عبدالله
لیجانی - محمد رسول عزیزیان - کاظم کازرونی - فیروز صدیقی - جمشید
پورقاسمی - عبدالعظیم سرعتی و... از سال ۵۰ تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم
و ارتجاع به دست مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند. یاد و نامشان
جاویدان.

یادواره شهیدان فدایی

فدایی شهید رفیق عباس جمشیدی رودباری

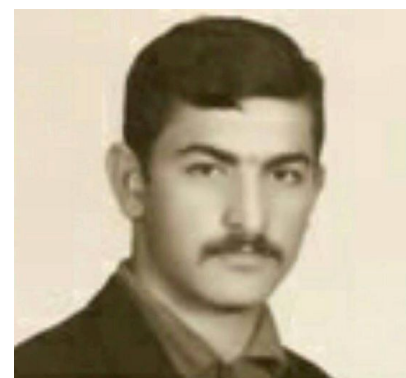
گردآوری و تنظیم: امیر ابراهیمی

در یک خانه تیمی به محاصره درآمد که در پناه آتش
همرزمش رفیق مهرنوش ابراهیمی توانست
به سلامتی از محاصره دشمن دور شود. تا اینکه در
بیست و چهارم تیرماه سال ۱۳۵۱ هنگامی که مشغول
شناسایی گشتهای سواره «کمپته مشترک» بود، در
محاصره قرار گرفت. سریعاً در یک پاساژ در خیابان
لاله زار سنگر گرفت و مزدوران را به گلوله بست تا
اینکه یکی از گلوله های مزدوران به جمجه اش
اصابت کرده و قبل از آنکه بتواند فدائی وار به
زندگی اش پایان بدهد، بی هوش شد.

مزدوران رژیم سریعاً وی را به بیمارستان برده و در
همان زمان اعلام می دارند که رفیق جمشیدی در
درگیری کشته شده است. پس از آن وحشیانه ترین
شکنجه ها را بر روی رفیق امتحان می کنند، ولی
نمی توانند کوچک ترین اطلاعاتی از رفیق به دست
بیاورند. رفیق عباس پس از دو سال شکنجه مداوم،
سرانجام در بامداد دوم مرداد سال ۱۳۵۳ به جوخه
اعدام سپرده شد.

صدای رفیق عباس جمشیدی رودباری که شعری از
رفیق سعید سلطانپور را می خواند همراه نگاهی به
زندگی این رفیق در پیوند زیر:

<https://www.youtube.com/watch?v=M4FjL1uWh7M>



رفیق عباس جمشیدی رودباری در سال ۱۳۲۵ در خانواده ای
متوسط و سیاسی در شیرگاه از توابع شاهی به دنیا آمد. از
شانزده سالگی به تهران رفت و در دبیرستان دارالفنون
مشغول به تحصیل شد. از همین زمان نیز به فعالیت سیاسی
روی آورد. هنگام تحصیل در دانشگاه با محفل مطالعاتی
رفیق احمدزاده آشنا شد.

پس از پایان تحصیلات در پائیز سال ۱۳۴۸ به دوره سربازی
رفت و قبل از پایان دوره، با ترک آن به عنوان یک انقلابی
حرفه ای فعالیت خود را آغاز کرد. تا هنگام دستگیری در
عملیات مختلفی شرکت کرده و مسئولیتهای زیادی در
سازمان داشت. رفیق عباس نقش عملی و نظری مهمی در
ترمیم ضربات ساواک در سال ۱۳۵۰ به سازمان داشت.

در خرداد ۱۳۵۰ هنگامی که خانه تیمی طاووسی به محاصره
درآمده بود، به همراه رفیق احمد زیرم بدون سلاح و دست
خالی توانستند از منطقه خارج شوند. در همان سال بار دیگر

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم